



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

سؤال و جواب  
درباره

## مقدار آية الكرسي

قالب:

علامه حاج سيد محمد باقر شفتي

مشهور به حجة الإسلام

تحقيق

سيد مهدي شفتي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سؤال و جواب درباره : مقدار آية الكرسي

نويسنده:

محمد باقر بن محمدنقى شفتى

ناشر چاپي:

کتابخانه مسجد سيد اصفهان

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	سؤال و جواب درباره : مقدار آیه الكرسي
۹	مشخصات كتاب
۹	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۳	اشاره
۱۵	توضیحی پیرامون رساله حاضر
۱۷	زندگی نامه مؤلف
۱۷	نام
۱۷	شهرت
۱۸	از نگاه دیگران
۱۸	اشاره
۱۸	۱ - حکیم ملّا علی نوری قدس سره
۱۹	۲ - مرحوم آیه الله حاج محمد ابراهیم کرباسی
۲۰	۳ - علامه حاج سید محمد باقر خوانساری قدس سره
۲۰	۴ - محدث خبیر مرحوم حاج شیخ عباس قمی
۲۱	نسب
۲۲	نیاکان
۲۳	تولد
۲۴	زادگاه
۲۵	دوران تحصیل
۲۷	استادان
۲۷	اشاره
۲۸	۱ - مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی

۲۸	۲ - علامه آقا محمّد باقر بهبهانی قدس سره
۲۹	۳ - علامه حاج شیخ جعفر نجفی رحمه الله ( معروف به : کاشف الغطاء )
۲۹	۴ - آخوند ملا علی نوری مازندرانی رحمه الله
۳۰	۵ - علامه حاج سید علی طباطبائی قدس سره
۳۰	۶ - آیه الله حاج سید محسن اعرجی کاظمینی رحمه الله
۳۰	۷ - علامه مجاهد آقا سید محمّد طباطبائی قدس سره
۳۱	۸ - علامه حاج سید محمّد مهدی طباطبائی قدس سره ( سید بحر العلوم )
۳۲	۹ - مرحوم ملا محمّد مهدی نراقی
۳۲	مشایخ اجازه
۳۲	اشاره
۳۳	۱ - مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم قمی گیلانی
۳۳	۲ - مرحوم سید محمّد مهدی موسوی شهرستانی
۳۴	۳ - مرحوم آیه الله شیخ جعفر نجفی ( کاشف الغطاء )
۳۵	۴ - مرحوم امیر سید علی طباطبائی حائری
۳۵	۵ - مرحوم سید محسن اعرجی بغدادی
۳۶	۶ - مرحوم شیخ سلیمان عاملی کاظمینی
۳۶	ویزگی های اخلاقی
۳۷	سخاوت
۳۸	عبادت
۳۹	شاگردان
۳۹	داوری
۴۱	اجرای حدود الهی
۴۲	سفر به مکه
۴۳	آثار علمی
۴۳	فقه
۴۵	أصول فقه

٤٦	حدیث
٤٦	رجال
٤٨	كلام
٤٨	نحو
٤٨	ساخت مسجدی بزرگ
٤٩	فرزندان
٤٩	اشاره
٤٩	١ - مرحوم علامه حاج سید أسد اللہ
٥٢	٢ - میر محمد مهدی
٥٢	٣ - آقا سید مؤمن
٥٣	٤ - حاج سید محمد علی
٥٥	٥ - حاج سید محمد جعفر
٥٦	٦ - آقا سید زین العابدین
٥٧	درگذشت
٥٩	سؤال و جواب درباره :مقدار آیه الكرسي
٥٩	اشاره
٦١	سؤال
٦١	جواب
٦٢	فائلین به امتداد آیه الكرسي تا : هم فيها خالدون
٨١	فائلین به امتداد آیه الكرسي تا : العلی العظيم
٩١	المستند للقول الأول
١٠٠	المستند للقول الثاني
١٠٦	تنبيه
١١١	فهرس مصادر التحقيق
١١١	اشاره
١١١	« أ »

۱۱۱	« ب »
۱۱۲	« ت »
۱۱۳	« ح »
۱۱۳	« خ »
۱۱۳	« د »
۱۱۳	« ذ »
۱۱۳	« ر »
۱۱۴	« ز »
۱۱۴	« س »
۱۱۵	« ش »
۱۱۵	« ط »
۱۱۵	« ف »
۱۱۶	« ق »
۱۱۶	« ک »
۱۱۶	« ل »
۱۱۶	« م »
۱۱۸	« ن »
۱۱۹	فهرست مطالب
۱۲۲	درباره مرکز



## سؤال و جواب دربارہ : مقدار آية الكرسي

### مشخصات كتاب

سؤال و جواب دربارہ : مقدار آية الكرسي

تأليف : علامہ فقیہ و محقق متبّع حاج سيّد محمد باقر شفتى قدس سره

مشهور به : حجّة الإسلام

( 1180 - 1260 هـ )

تحقيق : سيّد مهدي شفتى

ص: 1

اشاره







بسم الله الرحمن الرحيم

فقيه متبحر، عالم محقق و متتبع مرحوم آية الله العظمى حاج سيد محمد باقر موسوی شفتی، معروف به: « حجة الإسلام »، از زعمای بزرگ و اساطین علمی شیعه است که سال های سال شهر اصفهان از برکات وجودی او بهره مند بوده است.

زعامت دینی و اجرای حدود الهی، بذل و سخاوت حیرت آور، تألیف اثر پربردار و کم نظیر: « مطالع الأنوار » و دهها کتاب و رساله فقهی، رجالی، حدیثی و ...؛ و تربیت شاگردان فراوان، از برجستگی های خاص او بود.

هر چند اصفهان آن روز به وجود نورانی فرزاندانی همچون: مرحوم آية الله العظمى حاج محمد ابراهیم کلباسی صاحب: « اشارات الأصول »، و دهها فقیه

ص: 5

و عالم برجسته دیگر منور بود، ولی بار سنگین زعامت دینی بر دوش مرحوم سید حجة الاسلام قرار داشت؛ از این رو پرسش های فراوان فقهی، اعتقادی و ... از طرف علما، طلاب و مقلدین مرحوم سید در محضر او مطرح می گردید، که وی با تبخّر و روشن بینی خاص خود آنها را پاسخ می گفت .

اما آنچه در این مجموعه به حضور اهل دانش و تحقیق، شما تشنگان چشمه علم و فقاہت تقدیم می گردد، چهار رساله فقهی است از آثار ارزشمند عالم ربّانی، فقیه نامدار اهل بیت عصمت علیهم السلام، حجة الاسلام مطلق در شیعه، مرحوم آية الله العظمی حاج سید محمد باقر شفتی - أعلى الله مقامه - که در پاسخ به چند پرسش فقهی نگاشته شده است .

این سؤال و جواب ها از مجموعه ارزشمند کتاب : « سؤال و جواب »، انتخاب شده است .

کتاب « سؤال و جواب » مجموعه ای است شامل : دهها رساله فقهی، و نیز پرسش های فراوانی که از طرف اقشار مختلف مردم از مرحوم حجة الاسلام استفنا شده؛ و این فقیه متبّع و عالم مدقّق با روشن بینی خاص خود به آنها پاسخ گفته است .

قسمتی از این کتاب - یعنی از « کتاب اجتهاد و تقلید » تا « کتاب ودیعة » - در زمان حیات مرحوم حجة الاسلام در سال 1247 ه چاپ سنگی شده است، ولی باقیمانده آن که بیش از قسمت چاپ شده می باشد، متأسفانه تاکنون به طبع

نرسیده، و همچنان مخطوط باقی مانده است؛ لذا بعضی از سؤال و جواب های آن که مفصل و در حد رساله بود، انتخاب و در این مجموعه گردآوری شد.

### توضیحی پیرامون رساله حاضر

این رساله، تحقیقی است پیرامون تعیین آیه شریفه معروف به: « آیه الكرسي »، که بر سر جمله پایانی آن، اختلافی میان فقها به وجود آمده است.

نظر عدّه ای از فقها و نیز اعتماد مؤلف در این رساله آن است که: آیه الكرسي تا جمله: « و هو العليّ العظيم » می باشد.

گفتنی است که ایشان در دیگر اثر جاودانه و معروف خود - یعنی رساله صلاتیه: « تحفة الأبرار » (1) - بحث مفصّلی در این باره نموده و همین نظریه را برگزیده است.

ولی برخی دیگر از بزرگان فقها بر این باورند که مراد از آیه الكرسي سه یا چهار آیه از سوره بقره می باشد، که شروع آن: « اللّٰه لا إله إلاّ هو الحيّ القيوم » بوده؛ و به جمله: « هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » پایان می یابد.

ص: 7

---

1- تحفة الأبرار: ج 2، ص 450.

در پایان امیدوارم همان گونه که اَلطاف خداوند و روح عالی و بلند مرتبه جدّ بزرگوار مرحوم سیّد، تاکنون یار و یاور ما بوده و توفیق تحقیق و تنظیم و نشر بعضی از آثار ایشان را نصیب نموده، اِنْ شاء اللّٰه در آینده نه چندان دور بتوانیم بقیّه مسائل و رسائل فقهی و اصولی ایشان را با تحقیقی جامع و اسلوبی زیبا و شایسته تقدیم مشتاقان علم کنیم .

گفتنی است که شرح حالِ مفصّلی از مؤلّف بزرگوار در کتاب : « بیان المفاخر »، به قلم : مرحوم سیّد مصلح الدین مهدوی، نگاشته شده و در دو جلد به چاپ رسیده ؛ لذا ما در اینجا به شرح حال مختصری از مؤلّف بسنده می کنیم .

و آخر دعوانا اَنْ الحمد لله ربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علی محمّد وآله الطاهریّن، والسلام علی عباد اللّٰه الصالحین .

رمضان المبارک 1432 هـ

اصفهان - مدرسه و کتابخانه مسجد سیّد اصفهان

سیّد مهدی شفتی

ص: 8



### نام

عالم و فقیه کامل، محقق، علامه، جامع معقول و منقول، مجتهد خبیر و بصیر مرحوم حجّة الإسلام حاج سیّد محمد باقر موسوی شفتی اصفهانی، از فحول علمای شیعه و مفاخر فقها و مجتهدین امامیه در سده سیزدهم هجری است .

### شهرت

شهرت و لقب مرحوم حاج سیّد محمد باقر شفتی، « حجّة الإسلام » است ؛ و ایشان در بین دانشمندان شیعه نخستین کسی است که به این لقب مشهور و معروف شده، البته در قرن سیزدهم چند نفر از دیگر بزرگان هم به این لقب نامیده شده اند، ولی هیچ کدام اهمیّت و شهرت و مقام مرحوم سیّد شفتی را نداشته اند .

ص: 9

درباره شخصیت علمی و اجتماعی فقیه و مرجع بزرگ مرحوم علامه حاج سید محمد باقر شفتی، افراد بسیاری ایراد سخن و اظهار عقیده نموده اند؛ عدّه بسیاری به مدح و ستایش وی پرداخته، و بزرگی، علم، زهد، تقوا، فضائل اخلاقی، و خدمات اجتماعی وی را ستوده اند؛ و عدّه اندکی نیز بر وی و برخی از کارهای او، خرده گرفته و دهان به انتقاد و اعتراض گشوده اند.

اما ستایش گران سید حجّة الإسلام - که تعداد آنها به بیش از صد نفر می رسد - در دو قالب نظم و نثر، و به دو زبان فارسی و عربی، زبان به مدح و ستایش وی باز نموده اند، که گزارش و پرداختن به تمامی آن گفته ها، خود به نگارش کتابی جداگانه می انجامد، ولی در اینجا برای نمونه تنها به نقل گفتار بعضی از آنها، بسنده می کنیم.

### 1 - حکیم ملا علی نوری قدس سره

وی در تایید نظر مرحوم حجّة الإسلام شفتی درباره مسأله ای فقهی، او را با این اوصاف ستوده است:

علامة العهد، فقيه العصر، حجة الطائفة المحققة، قبلة الكرام البررة،

الفريد الدهريّ، والوحيد العصريّ، مطاع، واجب الإلتباع، معظّم، مجموعة المناقب و المفاخر، آقا سيّد محمّد باقر - دامت بركات فضائله الإنسيّة و شمائله القدسيّة (1).

## 2 - مرحوم آية الله حاج محمّد ابراهيم كرباسي

ایشان از بزرگان اندیشمندان و فقهای نامی اصفهان است، که در علم و زهد و تقوا و دوری از امور دنیوی معروف و مشهور، و داستان های احتیاط او در امور شرعیّه، بر سر زبان ها است و در متن کتاب های بسیاری ثبت شده، تا آنجا که مرحوم میرزا محمّد تنکابنی در شرح زندگانی وی می نویسد :

حاجی کرباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت سختی است، و آنان که مدّعی اجتهادند، اکثر مجتهد نیستند ؛ و اگر کسی ادّعی اجتهاد و مرافعه می نمود، حاجی او را تفسیق می کرد (2).

با توجه به این ویژگی ها، سخن ایشان درباره سیّد حجّة الإسلام خواندنی است :

اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله در مدینه بود و مردم اصفهان قاضی

ص: 11

---

1- رساله کاریزیه، تألیف حجّة الإسلام شفتی (مخطوط).

2- قصص العلماء : 16 .

می خواستند، آن حضرت آقا سید محمد باقر را به قضاوت نصب می نمود (1).

### 3 - علامه حاج سید محمد باقر خوانساری قدس سره

ایشان که سال ها در مجلس درس حجة الإسلام شفتی قدس سره شرکت می کرده، و با وی بسیار معاشر و صمیمی بوده، در وصف آن بزرگوار می فرماید :

حجة الإسلام دین دار به تمام معنا بود، چنانچه تمامی متدینان و حافظان و خزینه داران دین، در برابر دیانت او تسلیم بودند ؛ بلکه می توان گفت : ایمان همه مردم تنها جزئی از ایمان حقیقی وی به شمار می آمد . من معتقدم در اثبات حقایق علمی، و براهین عقلی و نقلی، کسی همتای او نبوده است (2).

### 4 - محدث خبیر مرحوم حاج شیخ عباس قمی

ایشان مرحوم حجة الإسلام را این گونه توصیف می کند :

حجة الإسلام اطلاق می شود نزد شیعه بر سید اجل، وحید الأیام،

ص: 12

---

1- قصص العلماء : 119 .

2- روضات الجنّات : 99 / 2 .

و مقتدی الأنام، سیّد العلماء العظام، سیّد محمّد باقر بن محمّد تقی موسوی شفتی اصفهانی قدس سره .

جلالت شائش زیاده از آن است که ذکر شود ؛ در عبادات و مناجات و نوافل و اوراد، حکایات بسیار از آن جناب نقل شده، و فوایدی که از آن بزرگوار به فقرا و سادات و طلاب علوم می رسیده، زیاده از آن است که ذکر شود (1).

### نسب

نسب شریف آن بزرگوار بنا بر آنچه خود در مقدمه کتاب « مطالع الأنوار » فرموده، با بیست و دو واسطه به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می رسد، که بدین ترتیب است :

سیّد محمّد باقر فرزند محمّد تقی ( به نون )، فرزند محمّد زکی، فرزند محمّد تقی، فرزند شاه قاسم، فرزند میر اشرف، فرزند شاه قاسم، فرزند شاه هدایت، فرزند امیر هاشم، فرزند سلطان سیّد علی قاضی، فرزند سیّد علی، فرزند محمّد، فرزند علی، فرزند محمّد، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند اسماعیل، فرزند احمد، فرزند محمّد مجدور، فرزند احمد مجدور، فرزند محمّد اعرابی، فرزند

ص: 13

## نیاکان

نیاکان حجّة الإسلام شفتی قدس سره بیشتر از دانشمندان محلّ خود بوده و کلمه « قاضی » در دنباله نام یکی از آنها، نشانه مقام و موقعیت اجتماعی اوست، که نشان می دهد در حدود قرن دهم و آغاز حکومت و سلطنت پادشاهان صفوی می زیسته است .

پدر مرحوم حجّة الإسلام، مرحوم حاج سیّد محمد نقی ( به نون )، در یکی از روستاهای زنجان، زندگی می کرده و پیشوایی مردم آن سامان را عهده دار بوده است . از خصوصیات زندگانی او هیچ گونه اطلاعی در دست نیست، جز آن که شاید قبل از سال 1192 ه ، در شفت وفات یافته (2).

ص: 14

1- مطالع الأنوار : 1 / 1 .

2- بیان المفاهر : 1 / 23 . \*\*\* ؛ و دیگر اینکه : وی فرزند دانشمندی جز سیّد حجّة الإسلام داشته به نام : محمد زکی، که بزرگتر از حجّة الإسلام بوده است \*\*\* )3( در برگ نخست نسخه ای خطّی از کتاب « هداية الأمة إلى أحكام الأئمة » تألیف شیخ حرّ عاملی قدس سره، که در کتابخانه جامع گوهرشاد نگهداری می شود، یادداشتی از : سیّد محمد زکی بن محمد نقی موسوی، به چشم می خورد به این مضمون که : نسخه در اصل از آن وی بوده و به برادرش سیّد محمد باقر حجّة الاسلام رشتی، هدیه کرده است، با مهر بیضی شکل با سجع : « عبده محمد زکی الموسوي » . و مهر بیضی شکل دیگری نیز به چشم می خورد با سجع : « عبده محمد باقر بن محمد نقی الموسوي »، که مهر مرحوم حجّة الإسلام شفتی است ( فهرست نسخه های خطّی کتابخانه جامع گوهرشاد : 1 / 255 شماره 300 ).

مرحوم سید حجّة الاسلام، ضمن جواب مسأله ای شرعی که از ایشان استفتاء شده، می نویسد: ... چنانچه از سوانح ایّام در سال فوت کریم خان، یا سال بعد از آن، خودم در سنّ چهارده یا کمتر، مدّتی در آنجا (قریه دستجرده از توابع طارم علیا) بودم (1).

و بنا به گفته تاریخ نویسان که اتفاق دارند بر اینکه: فوت کریم خان در سال 1193 ه رخ داده (2)، پس سال تولّد سید حجّة الاسلام، باید در سال 1179 یا 1180 یا 1181 ه اتفاق افتاده باشد.

چنانچه مرحوم علامه حاج سید محمّد باقر خوانساری قدس سره - از شاگردان سید حجّة الاسلام - نیز در کتاب شریف: «روضات الجنّات»، به همین تاریخ اشاره نموده، می فرماید: سید حجّة الاسلام در سال 1197 ه یا نزدیک به آن، در سنّ شانزده یا هفده سالگی به عتبات عالیات مشرف گردیده است (3).

ص: 15

---

1- سؤال و جواب: نسخه خطّی کتابخانه مرحوم آیه الله حاج سید محمّد علی روضاتی.

2- تاریخ روضة الصفای ناصری: 13 / 7208.

3- روضات الجنّات: 2 / 102.

این فقیه و عالم فرزانه در یکی از روستاهای طارم علیای زنجان به نام « چَرزَه » (1) که در حدود پنجاه کیلومتری شهر زنجان، و شصت کیلومتری شهر شفت واقع است، در يك خانواده متوسط اصیل و روحانی چشم به جهان گشود، و تا سنّ نزدیک به هفت سالگی در همین روستا اقامت گزید (2).

وی سپس به اتفاق پدر و مادر و خانواده خویش به شفت، که در جنوب غربی شهر رشت واقع است، مهاجرت نمود؛ علت این مهاجرت معلوم نیست،

ص: 16

1- چَرزَه (بفتح اول و سوم و سکون دوم) در مرآة البلدان آمده: قریه ای است قدیم النسق از قرای طارم واقع در میان کوه، و 25 خانوار سکنه دارد، که به زبان فرس قدیم تکلم می کنند، هوایش معتدل، زراعتش از آب رودخانه مشروب می شود، و گردنه ای ناهموار و صعب العبور دارد. و در فرهنگ جغرافیایی ایران آمده: دهی است جزء دهستان طارم بالا بخش سیردان شهرستان زنجان که در چهل و دو هزار گزی شمال باختر سیردان و ده هزار گزی راه مال رو عمومی واقع است، کوهستانی و سردسیر است و 167 تن سکنه دارد، آبش از چشمه، محصولش: غلات، فندق، گردو، عسل؛ شغل اهالی: زراعت، مکاری، بافتن گلیم، جاجیم، شال؛ و راهش مال رو و صعب العبور است (لغت نامه دهخدا).

2- (در کتاب «فهرست علماء زنجان: ص 114» نوشته که: سیّد حجّة الإسلام اصلاً از قریه چرزّه از قرای طارم که در هفت فرسنگی طرف شمال زنجان و هم از مضافات آن است، بوده و چون در اوائل امر خود برای تحصیل به شفت رفته و اندکی توقف نموده، بدان منسوب شده، چنان که حاج شیخ جواد طارمی در کتاب «اثنی عشریة» بدان تصریح نموده وثقات اثبات نیز مرا چنین خبر دادند. و بنی اعمام وی هم از سادات حسینیّه اینک در این قریه موجوداند.



ولی شاید بنا به دعوت مردم شفت از مرحوم آقا سید محمد نقی - پدر مرحوم حجة الاسلام - برای سرپرستی امور دینی و امامت جماعت و پیشوایی، بوده است .

مرحوم سید حجة الاسلام در شفت تا سال 1197 هـ، اقامت نمود، و در این مدت توانست مقدمات علوم حوزه از صرف و نحو، و دیگر علوم مقدماتی را نزد پدر عالم و فاضل خویش و استادان آن سامان، به خوبی فرا گیرد (1).

## دوران تحصیل

سید حجة الاسلام پس از فرا گرفتن مقدمات علوم، در سال 1197 هـ به سنّ شانزده یا هفده سالگی، جهت ادامه تحصیل و تکمیل علوم خویش، رهسپار عتبات عالیات در عراق می گردد (2).

مدت زمان توقّف ایشان در اعیان مقدّسه : کربلا، نجف، و کاظمین، هشت سال به طول می انجامد؛ مدت يك سال در شهر مقدّس کربلا- به درس اساتید طراز اول و مجتهدین بزرگی چون : مرحوم وحید بهبهانی، و مرحوم حاج سید علی طباطبائی - صاحب ریاض المسائل - حاضر شده، پس از آن رهسپار شهر مقدّس و عالم پرور نجف می گردد، و نزد استادانی چون : سید بحر العلوم،

ص: 17

---

1- بیان المفآخر : 1 / 25 .

2- روضات الجنّات : 2 / 102 .

و مرحوم کاشف الغطاء، به کسب علم و دانش می پردازد .

وی در سال 1204 ه به علت ابتلاء به بیماری استسقاء، برای معالجه به شهر مقدّس کاظمین مهاجرت نموده، و در طول مدّت مداوا، در سنّ بیست و پنج سالگی یا کمتر، نخستین اثر تألیفی خود به نام « الحلیة اللامعة »، که شرحی است بسیار علمی و تحقیقی و مفصّل بر کتاب « البهجة المرضیة » تألیف جلال الدین سیوطی، را به پایان می رساند (1).

او در همین شهر مقدّس از محضر پر فیض علامه آقا سیّد محسن أعرجی، بهره مند می گردد و در نزد ایشان بحث قضاء و شهادت را می خواند و در همین راستا، دوّمین اثر علمی خود را به سال 1205 ه به رشته تحریر در می آورد (2).

سرانجام حجّة الإسلام پس از هشت سال تحصیل در شهرهای مقدّس عراق، در سال 1205 ه (3) به ایران باز می گردد، و ابتدا مدّت شش ماه در شهر مقدّس قم توقّف کرده، و در این مدّت کوتاه از محضر مرحوم میرزای قمی قدس سره - که از بزرگان علماء و مجتهدین آن زمان بوده - بهره های فراوان می برد .

ص: 18

---

1- الحلیة اللامعة : برگ پایانی جزء اول ( نسخه خطّی ).

2- القضاء والشهادت : نسخه خطّی .

3- این تاریخ بنا به گفته خود مرحوم حجّة الإسلام است که در حاشیه بعضی از اجزایش می نویسد : قد حررنا من مجاورة العتبات العالیات - علی مشرفها آلاف التحيّة والصلوات - وانتقلنا منها إلى ديار العجم في خمس و مائتين بعد الألف من الهجرة المباركة ( کتاب اجازات : نسخه خطّی ).

او سپس راهی کاشان می شود، و زمانی کوتاه به درس مرحوم ملا مهدی نراقی قدس سره حاضر می شود .

وی سرانجام پس از گذراندن مراحل دشوار تحصیلی و نیل به مقامات عالی علم و اجتهاد، با کوله باری از دانش و معرفت و تقوا، در سال 1206 هـ (1).

## استادان

## اشاره

استادان حجّة الإسلام شفقتی قدس سره در کربلا، نجف، کاظمین، و سپس در قم و کاشان، عبارتند از :

ص: 19

---

1- این تاریخ بنا به گفته خود مرحوم حجّة الإسلام است که در حاشیه بعضی از اجازاتش می نویسد : انتقل المرحوم میر عبدالباقي في أوایل ورودی في اصفهان في سنة سبع و مائتين بعد الألف من الهجرة ( کتاب اجازات : نسخه خطی ). \*\*\* قدم به شهر اصفهان گذاشته، و بالاخره پس از مدّتی تصمیم می گیرد که در همین شهر سکونت کند \*\*\* )2( بنا به فرموده صاحب روضات قدس سره، سیّد حجّة الإسلام در حدود سال 1216 یا 1217 تصمیم می گیرد اصفهان را وطن خویش قرار دهد و در آنجا سکونت اختیار کند ؛ عبارت ایشان در کتاب « روضات الجنّات : 2 / 102 » چنین است : « وعزم على التوطن باصفهان في حدود ستّ أو سبع عشرة بعد مائتين و ألف ».

## 1 - مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی

مدّت زمان تحصیل سیّد حجّة الإسلام نزد مرحوم میرزای قمی شش ماه، و در شهر مقدّس قم بوده، ولی در همین مدّت کوتاه مرحوم حجّة الإسلام بهره های فراوانی از محضر میرزای قمی می برد، چنانچه به مرحوم علامه حاج سیّد محمّد باقر خوانساری - از شاگردان خویش - این مطلب را اظهار داشته، می فرماید: برای من در این مدّت کم، به اندازه تمام مدّت تحصیلم در عتبات - یعنی هشت سال - ترقّی کامل حاصل گشت (1).

## 2 - علامه آقا محمّد باقر بهبهانی قدس سره

مرحوم سیّد حجّة الإسلام در ابتدای تحصیل، نزد مرحوم وحید بهبهانی، علم اصول فقه را فرا می گیرد؛ چنانچه خود سیّد در بعضی از اجازه نامه هایی که برای شاگردانش مرقوم فرموده، به این مطلب تصریح کرده، می فرماید: در ابتدای تحصیل، نزد مرحوم آقا محمّد باقر بهبهانی، کتاب ارزشمند وی « الفوائد الحائریّة » را، خواندم (2).

ص: 20

---

1- روضات الجنّات: 2 / 100 .

2- کتاب اجازات: نسخه خطّی .

### 3 - علامه حاج شیخ جعفر نجفی رحمه الله ( معروف به : کاشف الغطاء )

مرحوم حجّة الإسلام از محضر مرحوم کاشف الغطاء در نجف اشرف بسیار استفاده می برد، و موفق به کسب اجازه از وی نیز می گردد .

### 4 - آخوند ملا علی نوری مازندرانی رحمه الله

وی با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت داشته، و در اصفهان به حاجی کرباسی و سیّد حجّة الإسلام ارادت می ورزیده، و پس از فوت میرزای قمی، از سیّد حجّة الإسلام تقلید می کرده است .

مرحوم آخوند در ماه رجب سال 1246 ه در اصفهان وفات می کند، و مرحوم حجّة الإسلام شفقتی بر او نماز می خواند و سپس بدن او به نجف اشرف منتقل، و در عتبه مقدّسه رواق مطهر، به خاک سپرده می شود .

تراجم نگاران اشاره ای به شاگردی مرحوم حجّة الإسلام نزد آخوند ملا علی نوری نکرده اند، تنها مؤلّف « قصص العلماء » می نویسد : سیّد و حاجی کرباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند (1).

ص: 21

---

1- قصص العلماء : ص 150 .

## 5 - علامه حاج سید علی طباطبائی قدس سره

سید حجّة الإسلام در کربلا به درس این عالم فقیه حاضر شده و از وی بهره فراوان می برد (1).

## 6 - آیه الله حاج سید محسن اعرجی کاظمینی رحمه الله

مرحوم حجّة الإسلام در شهر مقدّس کاظمین، نزد این عالم فاضل و فقیه زاهد، مبحث « قضاء و شهادات » را می خواند، و کتابی هم در این موضوع، در شهر مقدّس کاظمین می نگارد، که علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی قدس سره در کتاب ارزشمند « الذریعة »، به نقل از مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی می نویسد: این کتاب از تقریرات درس استادش مرحوم آقا سید محسن اعرجی است (2).

## 7 - علامه مجاهد آقا سید محمد طباطبائی قدس سره

در کتب تراجم و رجال اشاره ای به شاگردی مرحوم سید حجّة الإسلام نزد سید مجاهد، و یا اجازه داشتن ایشان از وی نشده است، تنها مرحوم حاج سید

ص: 22

---

1- قصص العلماء: ص 140 .

2- الذریعة: 141 / 17 ؛ به نقل از تکمله أمل الآمل: 242 / 5 .

محمد شفيح جابلقى ( متوفى 1280 ) - از شاگردان سيد حجة الإسلام رحمه الله - در اجازه نامه : « الروضة البهية في الطرق الشيعية »، ضمن شرح حال حجة الإسلام، نام استادان ایشان را آورده و می نویسد : ... و على السيد الأستاذ آقا سيد محمد أيضًا (1).

### 8 - علامه حاج سيد محمد مهدي طباطبائي قدس سره ( سيد بحر العلوم )

مرحوم حجة الإسلام شفتى در نجف اشرف به درس مرحوم سيد بحر العلوم حاضر می شود، و مدت زيادى از محضر او استفاده می برد .

وى در اجازتش به شاگردى خود نزد سيد بحر العلوم تصريح کرده و او را چنین ستوده است :

زبدة العلماء المحدثين، وعمدة الفضلاء المتبحرين، أعلم علماء الزمان، مربي علماء الأعيان، سلطان العلماء العاملين، برهان أهل الحق واليقين، ناموس شريعة جده سيد المرسلين، سيدنا وأستاذنا السيد محمد مهدي الطباطبائي النجفي مسكنًا و مدفئًا (2).

ص: 23

---

1- الروضة البهية : ص 20 .

2- كتاب اجازات : نسخه خطي .

در کتاب « معارف الرجال » (1) می نویسد : مرحوم حجّة الإسلام شفتی در کاشان به درس مرحوم ملا محمد مهدی نراقی حاضر شد .

### مشایخ اجازه

#### اشاره

مرحوم علامه حاج سید محمد باقر خوانساری - از شاگردان مبرّز حجّة الإسلام - در کتاب « روضات الجنّات » می نویسد :

حجّة الإسلام به من فرمود : در آن روزگار که به کسب کمال می پرداختم، انگیزه ای برای گرفتن اجازه از اساتید خود نداشتم، و مانند بعضی که خواهان ریاست بودند، در این اندیشه شب را به روز نمی آوردم، با آنکه روش برخورد استادان با من به گونه ای بود که انتظار داشتند از آنان کسب اجازه نمایم، و آنها نیز بی درنگ و به محض اظهار من، خواسته مرا اجابت می کردند؛ به همین مناسبت از اجازه روایت مروج بهبهانی، و سایر دانشمندان زمان او محروم ماندم، ای کاش چنان بی نیازی را در خود احساس

ص: 24



نمی‌کردم، و این رویه را سیره خود قرار نداده بودم، تا امروز این گونه محرومیت نصیب من نمی‌شد (1).

در هر صورت، حجة الإسلام شفتی قدس سره از شش تن از مجتهدان بزرگ زمان خویش اجازه دریافت کرد، که عبارتند از:

### 1 - مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم قمی گیلانی

مرحوم محقق قمی در اجازه ای که در چندین صفحه تنظیم شده، و نگارش آن شب عید فطر سال 1215 هـ پایان یافته، علاوه بر اجازه نقل روایت، گواهی بر اجتهاد، نبوغ علمی، وزهد و تقوای حجة الإسلام نیز داده است (2).

### 2 - مرحوم سید محمد مهدی موسوی شهرستانی

مرحوم شهرستانی در اجازه يك صفحه ای خود به سید حجة الإسلام - که به تاریخ اواخر رمضان سال 1211 هـ می‌باشد - وی را به این اوصاف ستوده:

العالم الفاضل الجلیل الكامل، مولانا الأکرم الأمجد، الولد الروحاني

ص: 25

---

1- روضات الجنات: 2 / 100 .

2- تصویر کامل اصل این اجازه نامه 14 صفحه ای، در ضمیمه مجلد اول « فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان » به چاپ رسیده است ( چاپ اصفهان، 1341 ش ).

السيد محمد باقر بن السيد محمد نقي الشفتي الجيلاني (1).

### 3 - مرحوم آية الله شيخ جعفر نجفي ( كاشف الغطاء )

حجة الإسلام شفتي قدس سره در اجازه ای که برای سید قوام الدین قزوینی مرقوم فرموده، مرحوم نجفی را از مشایخ خود شمرده و در وصف او می نویسد :

البحر الزاخر والبدر الباهر، الجامع للمحاسن والمفاخر، العالم العامل والفاضل الكامل، شيخنا المعظم المكرم، ملاذ العرب والعجم، معدن الفضائل الجليلة، ناهج المناهج السوية، بالغ المقاصد العلية، مهذب الأحكام الإلهية، ناشر المآثر الجعفرية، باسط المحسنات الدينية، شيخنا و عمادنا الشيخ جعفر النجفي - نور الله تعالى مرقده و أفاض على مضجعه المرحم الربانية (2).

ص: 26

- 
- 1- این اجازه مختصر به خط شریف مرحوم شهرستانی، در آخر نسخه ای خطی از کتاب: « عیون أخبار الرضا » موجود است ( فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء تراث: 3 / 324 شماره 1083 ).
  - 2- کتاب اجازات: نسخه خطی .

#### 4 - مرحوم أمير سيد علي طباطبائي حائري

ایشان از مشایخ اجازه مرحوم سيد حجة الإسلام بوده، و سيد در اجازات خود، وی را با این اوصاف ستوده :

شمس فلك الإفادة والإفاضة، بدر سماء المجد والعزّ والسعادة، محيي قواعد الشريعة الغراء، مقتنّ قوانين الإجتهد في الملة البيضاء، فخر المجتهدين، ملاذ العلماء العاملين، ملجأ الفقهاء الكاملين، سيدنا وأستاذنا العليّ العالي أمير السيد علي الطباطبائي الحائري (1).

#### 5 - مرحوم سيد محسن أعرجي بغدادی

مرحوم حجة الإسلام در اجازاتش، از وی چنین یاد می کند :

سيدنا التقي النقي الوفي الورع العابد العالم الزكي، قدوة العباد والزهاد والنساک، مولانا العماد السيد الجليل السعيد النبيل سيدنا السيد محسن البغدادي (2).

ص: 27

---

1- کتاب اجازات : نسخه خطی .

2- کتاب اجازات : نسخه خطی .

حجّة الإسلام شفقتی در اجازه ای که برای سید قوام الدین قزوینی نوشته، او را از مشایخ خود شمرده و از وی چنین یاد می کند :

« شیخنا العالم العامل الكامل شیخنا المعظم المکرّم الشیخ سلیمان بن الشیخ المعتوق العاملي » (1).

### ویژگی های اخلاقی

مرحوم علامه خوانساری، از شاگردان مرحوم حجّة الإسلام، درباره خصوصیات اخلاقی و رفتاری استاد خویش می نویسد :

در نرمی و ملایمت آن قدر اخلاقش لطیف و ملایم بود که من اخلاق او را همیشه به اخلاق جدّ بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه وآله تشبیه می کردم . در حلم و بردباری او را حلیم ترین افراد در مقام فرو بردن خشم و غیظ خود دیدم .

در صبر و تحمل به گونه ای بود که بیشتر از همه بر نفس خویش تسلط داشت، و مانند کوهی مقابل اندوه ها و مشکلات پا بر جا بود، و هرگز تزلزل و ضعف در وجود او راه پیدا نمی کرد .

ص: 28

در صفای نفس و وسعت نظر به گونه ای بود که اگر بسیاری از اشخاص و یا بستگان و برادران او در مقام قطع ارتباط با او بودند، او همیشه در برقراری روابط با آنها و احسان به آنها کوشا بود ... در توجّه و رعایت آداب عرفی و حسن معاشرت، یگانه روزگار بود، و همه در برابر بزرگواری و خوش رفتاری او خاضع بودند (1).

## سخاوت

سخن از سخاوت مرحوم حجّة الإسلام و بخشش های بسیار او، تنها به این مختصر تمام نمی شود، بلکه نیاز به تالیف کتابی جداگانه دارد، ولی برای نمونه در اینجا به سخن چند تن از بزرگان درباره کرم و بخشش سیّد حجّة الإسلام، و نیز نمونه ای از بخشش های وی اشاره می کنیم .

1 - مرحوم علامه حاج سیّد محمد باقر خوانساری در کتاب «روضات الجنّات» می فرماید :

حجّة الإسلام در جود و بخشش به پایه ای بود که می توان گفت : همه موجودات در گرو احسان او بوده، و او از علم و مال و مقام

ص: 29

---

1- روضات الجنّات : 2 / 99 .

نسبت به هیچ يك از نیازمندان دریغ نمی داشت (1).

2- مرحوم میرزا محمد علی مدرّس می نویسد :

فوائدی که از وی به سادات و فقرا و طلاب علوم دینیّه عائد می گردید، خارج از حدّ احصا می باشد (2).

## عبادت

عبادت حجّة الإسلام حاج سیّد محمد باقر شفتی « به گونه ای بود که از نصف شب تا به صبح به گریه و زاری و تضرّع اشتغال داشته و در صحن کتابخانه اش مانند دیوانگان می گردید و دعا می خواند، و تا صبح بر سر و سینه اش می زد .

وی در اواخر زندگانی آن قدر گریسته بود و ناله و بی قراری کرده بود که او را بادفتق عارض شده بود، و اطبّا هر چه معالجه کردند، مفید واقع نشد، تا اینکه او را از گریه منع کردند و گفتند : گریه بر تو حرام است، پس هر زمان که به مسجد می رفت، ذاکرین تا او نشسته بود بر بالای منبر نمی رفتند، مگر زمانی که از مسجد بیرون می آمد « (3).

ص: 30

---

1- روضات الجنّات : 2 / 99 .

2- ریحانة الأدب : 1 / 312 .

3- قصص العلماء : 137 و 138 .

مرحوم آیه الله سید حسن صدر کاظمی از پدر خود نقل می کند که :

پدرم - قدس سره - می گفت : گوشه های چشم حجّه الاسلام از اثر کثرت گریه کردن در مقام تهجد مجروح شده بود (1).

### شاگردان

از ثمرات مجلس درس حجّه الاسلام شفتی، می توان به تربیت و تعلیم شاگردانی اشاره کرد که هر يك مرجع عصر خویش گردیدند .

محقق نامدار مرحوم سید مصلح الدین مهدوی، در کتاب ارزشمند : « بیان المفاخر » (2) - که آن را در شرح زندگانی سید حجّه الاسلام نگاشته - نام و شرح زندگانی یکصد و چهل و هشت نفر از شاگردان سید حجّه الاسلام را آورده است.

### داوری

سید حجّه الاسلام، چنان چه معاصر او مرحوم وفا زواره ای در کتاب : « تذکره مآثر الباقریّه » نوشته :

دو روز تشریف فرمای مَدْرَسِ مقدّس می شوند ، روز دوشنبه را به

ص: 31

---

1- تکمله أمل الآمل : 244 / 5 .

2- بیان المفاخر : 243 / 1 .

مرافعه ، و روز چهارشنبه را به شنیدن اشعار شعرا اختصاص می دادند (1).

حجّة الإسلام شفتی قدس سره در امور قضایی، از فراست عجیبی برخوردار بود؛ به گونه ای که حيله ها، تزويرها، و سند سازی های عجیب - که در آن زمان ها متداول بود - در محضر وی کارگر نمی افتاد .

مرحوم ملاً محمد تنکابنی - از شاگردان مرحوم حجّة الإسلام - درباره قضاوت وی گوید :

احکام ایشان در نهایت اتقان و استواری بود، و در حکم دادن بسیار دقت می فرمود، و مرافعات را طول می داد، و گاهی اتّفاق می افتاد که يك مرافعه و نزاع میان دو نفر را مدّت يك سال، یا کمتر و یا بیشتر، به تأخیر می انداخت، و تا یقین به حقیقت موضوعی حاصل نمی کرد، حکم صادر نمی فرمود . آن جناب در امر قضاوت فراست و زیرکی عجیب داشت؛ چنانکه فقها در کتاب قضاوت، فراست را یکی از صفات قاضی شمرده اند (2).

ص: 32

---

1- تذکره مآثر الباقریّة : 284 .

2- قصص العلماء : 138 .



میر سید علی جناب ( متوفای 1349 هـ )، درباره اجرای حدود توسط مرحوم حجّة الإسلام شفتی، می نویسد :

دیگر مسأله اجرای حدود او بوده است، که مهمترین عبادات خود آن را می دانسته، حتی وقتی جهت استسقاء جمعیت از شهر به منزل او رفته بودند، که به اتفاق بروند در مسجد مصلاّی تخت فولاد، سید مردم را به بهانه ای متفرّق می کند و يك نفر سارق که در آن وقت محکوم به بریده شدن دست بوده است، حاضر می سازد و با قلم و مرکّب حدّ بریدن را روی دست سارق معین کرده، به مباشر این قبیل امور خود حکم می کند تا می بُرد؛ اتفاقاً در آن نزدیکی هم باران می آید و موافق می شود با عقیده سید که : اجرای حدود باعث نزول رحمت است (1).

در اینجا لازم به ذکر است که : اجرای حدّ شرعی به دست خود مرحوم حجّة الإسلام، تنها يك یا دو مرتبه گزارش شده، و بقیّه موارد را مباشرین و عاملان سید به عهده می گرفتند .

و چنانچه حکایت شده : خود حجّة الإسلام پس از اجرای حدّ، به پیروی از جدّ بزرگوار خود مولی الموحّدين حضرت أميرالمؤمنين علی علیه السلام، بر جنازه

ص: 33

و پیکر کشته شدگان، نماز می خوانند، و در حال نماز به راز و نیاز با معبود خویش پرداخته، از برای آنها طلب عفو و بخشش می نمود، و گاه هم در بین نماز از شدت گریه غش می کرد (1).

### سفر به مکه

بنا به فرموده خود حجّه الاسلام قدس سره در کتاب: «مناسک حج»، ایشان در سال 1231 ه از راه دریا مشرف به مکه معظمه شده (2)، و پس از زیارت حرمین شریفین، به زیارت اعتبار مقدسه ائمه علیهم السلام در عراق مشرف می گردد.

در کتاب: «تاریخ علماء و شعراى گیلان» آمده:

و زیارت حج ایشان معروف است که دو هزار شیعه در رکابش به حج مشرف شدند (3).

مرحوم سید حجّه الاسلام در این سفر روحانی، خدمات شایسته ای انجام می دهد، که عبارتند از:

ص: 34

---

1- بیان المفآخر: 1 / 162 .

2- عبارت ایشان در کتاب مناسک حج ( : ص 15 نسخه خطی ) چنین است : « ... تقریباً دو ساعت به غروب مانده روز هفتم شهر ذی الحجّه الحرام سنه هزار و دویست و سی و یک وارد مکه معظمه ... شدیم » .

3- تاریخ علما و شعراى گیلان : 31 .

1 - تعیین حدود طواف

2 - تعیین حدود عرفات

3 - باز ستاندن زمین های فدک و واگذاری آن به سادات مدینه

## آثار علمی

مرحوم حجّة الإسلام شفتی قدس سره آثار ارزشمندِ قلمی بسیاری از خود به یادگار گذاشت، که به بیش از هفتاد عنوان کتاب و رساله در موضوعات مختلف می رسد، که تاکنون مورد استفاده و بهره برداری دانشمندان علوم دینی بوده است .

بعضی از تألیفات حجّة الإسلام شفتی قدس سره عبارتند از :

## فقه

1 - مَطَالِعُ الْأَنْوَارِ فِي شَرْحِ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ

2 - تُحْفَةُ الْأَبْرَارِ الْمُتَلَقِّطِ مِنْ آثَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ

3 - المصباح الشارقة في الصلاة

4 - سؤال و جواب

ص: 35

- 5 - إقامة الحدود في زمن الغيبة
- 6 - رساله در نماز شب و فضیلت آن
- 7 - قضاء و شهادات
- 8 - مناسك حجّ
- 9 - رساله في اشتراط القبض في الوقف
- 10 - رساله در اراضی خراجیه
- 11 - رساله در احكام غُساله
- 12 - رساله القُدْرية
- 13 - رساله در تقلید از مجتهد میّت
- 14 - ردّ بر رساله تعیین سلام سوّم در نافله
- 15 - رساله در مقبولیّت قول زن در عدم وجود مانع برای ازدواج
- 16 - رساله در احكام شك و سهو در نماز
- 17 - رساله در جواز هبه ولی مدّت را در ازدواج موقت
- 18 - شرح جواب بعضی از مسائل
- 19 - رساله در کیفیت زیارت عاشورا

- 20 - رساله در حرمت محارم موطوء بر واطی
- 21 - رساله در حکم عقد بر خواهر زوجه مطلقه
- 22 - رساله در ثبوت زنا و لواط به اقرار نزد حاکم
- 23 - رساله در ولایت حاکم بر بالغه غیر رشیده
- 24 - رساله در نماز استیجاری
- 25 - رساله در تعیین آیه الكرسی
- 26 - رساله در طهارت عرق جنب از حرام
- 27 - رساله در حکم نماز در پوست دباغی شده مرده
- 28 - رساله در نماز جمعه

### أصول فقه

- 29 - الزهرة البارقة لمعرفة أحوال المجاز والحقیقة
- 30 - رساله في الاستصحاب
- 31 - حاشیه بر اصول معالم الدین
- 32 - حاشیه بر تهذیب الوصول

ص: 37

33 - حاشیه بر فروع کافی

34 - حاشیه بر وافی

رجال

35 - رساله در تحقیق و بررسی احوال أبان بن عثمان، و اصحاب اجماع

36 - رساله در تحقیق و بررسی احوال ابراهیم بن هاشم

37 - رساله در تحقیق و بررسی احوال أبو بصیر

38 - رساله در تحقیق و بررسی احوال أحمد بن محمد بن خالد برقی

39 - رساله در تحقیق و بررسی احوال أحمد بن محمد بن عیسی قمی

40 - رساله در تحقیق و بررسی احوال إسحاق بن عمّار ساباطی

41 - رساله در تحقیق و بررسی احوال حسین بن خالد

42 - رساله در تحقیق و بررسی احوال حماد بن عیسی جهنی

43 - رساله در تحقیق و بررسی احوال سهل بن زیاد آدمی رازی

ص: 38

- 44 - رساله در بیان حکم روایاتِ شهاب بن عبد ربّه
- 45 - رساله در بررسی احوال عبدالحمید بن سالم عطار، و فرزندش محمد
- 46 - رساله در تحقیق و بررسی احوال عمر بن یزید
- 47 - رساله در تحقیق و بررسی احوال محمد بن اسماعیل
- 48 - رساله در بررسی احوال محمد بن أحمد، که از عمرکی روایت می کند
- 49 - رساله در تحقیق و بررسی احوال محمد بن خالد برقی
- 50 - رساله در تحقیق و بررسی احوال محمد بن سنان
- 51 - رساله در تحقیق و بررسی احوال محمد بن الفضیل
- 52 - رساله در تحقیق و بررسی احوال محمد بن عیسی یقطینی
- 53 - رساله در بررسی احوال اشخاص ملقب به : ما جیلویه
- 54 - رساله در اتحاد معاویه بن شریح، با معاویه بن میسره
- 55 - رساله در بیان مقصود از : « عدّه من أصحابنا » در بعضی اسانید کافی
- 56 - حاشیه بر کتاب فهرست
- 57 - حاشیه بر رجال شیخ طوسی

58 - اصول دین

59 - سؤال و جواب درباره شیخیه

نحو

60 - الحلیة اللامعة للبهجة المرضیة

ساخت مسجدی بزرگ

یکی از آثار خیر و خدمات مرحوم حجّة الإسلام شفتی، بنای تاریخی و بسیار بزرگ و زیبای مسجد سیّد اصفهان می باشد، که نویسندگان به مناسبت از عظمت و شکوه آن یاد نموده اند .

مرحوم میرزا حسن خان جابری انصاری، درباره مسجد سیّد می نویسد :

بنای جامع بیدآباد، بر علوّ همّتش فریاد می زند، زیرا مساجد بزرگ را شاهان متعدّد ساخته اند، و این مسجد را آن پادشاهِ علماء به تنهایی کفالت فرمود (1).

ص: 40

---

1- تاریخ اصفهان وری : 96 .



مرحوم حجّة الإسلام شفتی دارای هشت پسر و چند دختر بوده، که دو تن از فرزندان او به نام های: آقا سیّد هاشم و آقا سیّد ابوالقاسم، در ایّام حیات وی از دنیا رخت بر می بندند .

شش فرزند دیگر سیّد عبارتند از :

### 1 - مرحوم علامه حاج سیّد أسد الله

شرح زندگانی این عالم فقیه و محقق عالی قدر، در اینجا و به چند کلمه خلاصه نمی شود، بلکه شایسته است در این زمینه کتابی جداگانه نگاشته شود(1).

ولی شمه ای از زندگی نامه او چنین است : وی فرزند ششم از هشت فرزند حجّة الإسلام، و اعلم اولاد ایشان بوده، ولادتش در سال 1227 یا 1228 رخ

ص: 41

---

1- شرح حال وی در این کتاب ها آمده است : بیان المفاخر : 2 / 244 - 351 ؛ مکارم الآثار : 3 / 836 ؛ الکرام البررة : 1 / 124 ؛ أعيان الشيعة : 3 / 287 ؛ معارف الرجال : 1 / 94 ؛ لباب الألقاب : 71 ؛ هدية الاحباب : 147 ؛ ریحانة الأدب : 2 / 26 ؛ الكنى والالقباب : 2 / 174 ؛ ماضی النجف : 3 / 13 ؛ الفوائد الرضویة : 1 / 42 ؛ اعلام اصفهان : 1 / 519 ؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان : 1 / 253 ؛ موسوعة طبقات الفقهاء : 13 / 133 ؛ أحسن الودیعة : 1 / 78 ؛ تاریخ اصفهان : 305 ؛ تاریخ اصفهان وری : 262 ؛ رجال و مشاهیر اصفهان : 153 ؛ مرآة الشرق : 1 / 146 .

داده، سال ها در نجف اشرف از محضر مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی - صاحب کتاب جواهر الکلام - استفاده کرده، و موفق به کسب اجازه از وی می شود .

حجّة الإسلام این بزرگوار را بسیار دوست می داشته و مردم را به متابعت و تجلیل او امر می فرموده ، و او را از جهت قوت نظر و قدرت استنباط بر فخرالمحققین فرزند علامه حلّی، ترجیح می داده است (1).

از مرحوم حاج سیّد اسد الله - معروف به : حجّة الإسلام ثانی - تألیفات و تصنیفات بسیاری به جا مانده، که در اینجا به نام تعدادی از آنها اشاره می کنیم :

1 - کتابی در امامت (2)

2 - کتابی درباره امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - (3)

3 - رساله در تقلید

ص: 42

---

1- بیان المفآخر : 2 / 249 .

2- این اثر ارزشمند با عنوان : « الإمامة » در يك جلد، با تحقیق حجّة الإسلام والمسلمین حاج سیّد مهدی رجائی - دامت برکاته - به سال 1411 هـ ، توسط انتشارات کتابخانه مسجد سیّد اصفهان، به چاپ رسید .

3- این اثر ارزشمند با عنوان : « کتاب الغیبة فی الإمام الثاني عشر علیه السلام » در دو جلد، با تحقیق صاحب این قلم، به سال 1427 هـ ، توسط انتشارات کتابخانه مسجد سیّد اصفهان، به چاپ رسید .

4 - رساله در تقلید میّت

5 - حواشی بر نسخه مرحوم حاج محمد ابراهیم کرباسی

6 - رسائل رجالیه

7 - رسائل فقهیّه

8 - شرح شرائع الإسلام

9 - رساله در احکام خمر و عصیر (1)

10 - رساله در استصحاب

11 - منتخب الصحاح \*\*\* (2) مؤلف قدس سره مطالب آن را از این کتاب ها انتخاب کرده است : کتاب الطرائف، تألیف سیّد بن طاوس ؛ شرح نهج البلاغه، تألیف ابن ابي الحديد معتزلی ؛ الصواعق المحرقة، تألیف ابن حجر هیتمی ؛ و صحیحین، یعنی : صحیح مسلم و صحیح بخاری (الذریعة : 22 / 439).

این اثر ارزشمند در يك جلد، به سال 1389 ش، توسط انتشارات کتابخانه مسجد سیّد اصفهان، به چاپ رسید . \*\*\*

12 - حواشی بر تحفة الأبرار پدر بزرگوارش (با رمز : ا. س. د)

مرحوم حاج سیّد اسدالله سرانجام در شب يك شنبه، آخر ماه جمادى الثانية

ص: 43

---

1- این اثر با عنوان : « العصیریّة » در يك جلد، با تحقیق صاحب این قلم، به سال 1426 ه توسط انتشارات کتابخانه مسجد سیّد اصفهان، به چاپ رسید .

سال 1290 هـ ، در « کرد » (1) وفات یافته ؛ بدن آن بزرگوار را پس از انتقال به نجف اشرف، در اتاقِ سمتِ راستِ وارده شونده به صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام از درب قبله - یعنی مقابل قبر مرحوم علاّ مه حاج شیخ مرتضی انصاری - به خاک می سپارند .

## 2 - میر محمد مهدی

در تذکرة القبور می نویسد :

دم ارسی رو به مسجد که قدری بلند بسته است، قبر میر محمد مهدی پسر بزرگ مرحوم حجّة الإسلام ، که از اهل علم و فضل بوده ، می باشد (2).

## 3 - آقا سیّد مؤمن

در تذکرة القبور گوید :

از اهل علم و فضل بوده و بعد از مرحوم حاج سیّد اسدالله مرجع ریاست بیدآباد و امام مسجد و پناه خلق به او می رسد ؛ او تدریس

ص: 44

---

1- کرد « از توابع کرمانشاه است .

2- تذکرة القبور : 81 .

هم داشته، و بعد از مرحوم حاج سید اسدالله اعلم و افقه از دیگر فرزندان سید حجّة الإسلام بوده است (1).

او از شاگردان مرحوم علامه حاج شیخ مرتضی انصاری قدس سره بوده و از تألیفاتش کتابی است در فقه به نام «جامع الأقوال»، که آن را عالمانه و با استدلال و بسیار مبسوط نوشته و در آن تنها به احکام نماز پرداخته است (2).

وی سرانجام در دّوم ماه رمضان سال 1294 هـ وفات یافت؛ قبر وی طرف پائین پای پدرش مرحوم حجّة الإسلام است، قدری رو به جلو، و سنگ نشانی کمی بالاتر قرار گرفته است.

#### 4 - حاج سید محمد علی

تولد وی سال 1227 هـ بوده، چنانچه فرزندش مرحوم سید محمد مهدی در کتاب: «غرقاب»، ضمن شرح حال او می نویسد: در آخر شعبان سال 1282 هـ وفات یافت در حالی که پنجاه و پنج سال داشت (3).

وی را در کنار برادرش مرحوم میر محمد مهدی، در مقبره حجّة الإسلام به

ص: 45

---

1- تذکرة القبور: 81.

2- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آية الله مرعشی قدس سره: 366/7 شماره 2799.

3- غرقاب: ص 188.

خاک می سپارند .

در تذکرة القبور می نویسد :

از اهل علم و فضل بوده و صبح در مسجد سیّد به اقامه جماعت می پرداخته، و نقل عبادت و تقوی از او می شود (1).

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم، مجموعه ای به شماره : 1995 (2)، می باشد، که شامل چهار رساله از تألیفات مرحوم حاج سیّد محمّد علی بدین شرح است :

1 - إتلاف العبد مال المولى و جنایته علیه

2 - الصلاة في المكان المغصوب

3 - شرح شرائع الإسلام ( کتاب الوصایا ) (3)

4 - شرح کتاب « اللمعة الدمشقیة » (4)

در آغاز این مجموعه اجازه نامه مرحوم آیه الله حاج شیخ محمّد حسن نجفی

ص: 46

---

1- تذکرة القبور : 81 .

2- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی : 366 / 5 .

3- جلد دیگری از شرح مزجی وی بر شرائع الإسلام، در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود (فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم : ص 101 شماره 517).

4- این کتاب به خط مؤلف قدس سره است و شرح مزجی مفصّلی بر فصل سوم کتاب الصلاة لمعه می باشد .

- صاحب جواهر الکلام - به مرحوم حاج سید محمد علی، آمده است (1).

## 5 - حاج سید محمد جعفر

وی از رؤسای اندیشمند در محله بیدآباد اصفهان بوده، که پس از فوت برادر عالم خود مرحوم آقا سید مؤمن، ریاست و عنوان کلی یافت.

وی در مسجد سید تعمیرات اساسی انجام داده و قسمت عمده کاشیکاری مسجد در زمان تولیت ایشان بوده است.

در کتاب: «معجم رجال الفكر والأدب»، این رساله ها از تألیفات وی شمرده شده: 1 - اجتماع امر و نهی 2 - اصالة البراءة 3 - التعادل والتراجیح 4 - حجیة الاستصحاب 5 - حجیة القطع والظن (2).

وی در روز عاشوراء سال 1320 ه، در مسافرت عتبات، در کربلا وفات یافته، در نجف اشرف در کنار برادر خود مرحوم علامه حاج سید اسد الله، مدفون گردید.

ص: 47

---

1- این اجازه که در چند صفحه می باشد، به خط صاحب جواهر نیست، ولی مهر شریف وی در پایان اجازه به چشم می خورد.

2- معجم رجال الفكر والأدب: 1 / 398.

عالم و فاضل بوده، و در شورش مردم اصفهان در سال 1265 ه که مردم بی پناه به او پناه بردند، از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستم ها دیده است .

علامه تهرانی رحمه الله درباره او می نویسد :

از اهل فضل و علم و کمال و شهرت و وجاهت و اعتبار بوده و قبل از برادرش حاج سید اسدالله ( سال 1290 ) وفات یافته است (1).

قبر وی جلو قبر سید حجّة الاسلام، رو به دم ارسی قرار دارد (2).

ص: 48

---

1- الکرام البررة : 2 / 589 .

2- تذكرة القبور : 81 .



سرانجام حجّة الاسلام پس از هشتاد و اندی سال عمر پر ثمر و پر خیر و برکت، در بعد از ظهر روز یکشنبه، دوّم ماه ربیع الثانی (1) سال 1260 قمری، مصادف با دوّم فروردین ماه سال 1223 شمسی، بر اثر بیماری استسقاء، در اصفهان دیده از جهان فرو بست .

مرحوم ملاً علی اکبر خوانساری، سیّد حجّة الإسلام را غسل داده و از آن پس دست های مبارك آن جناب را بوسیده و کفن نمود .

فرزند عالم و بزرگوارش مرحوم حاج سیّد اسدالله، بر بدن پدر نماز گزارده، و سپس بدن آن بزرگوار را در روز چهارشنبه در مقبره ای که خود قبلاً در کنار مسجد خویش مهیا ساخته بود، به خاک سپردند .

ص: 49

---

1- در بیشتر نوشته ها ربیع الأوّل ثبت شده، و این اشتباه ناشی از نوشته مرحوم علامه خوانساری در کتاب « روضات الجنّات » است . فوت حجّة الإسلام یقیناً در دوّم ماه ربیع الأوّل نبوده، زیرا اجازه ای که مرحوم حجّة الإسلام برای شخصی به نام « آخوند ملاً محمّد » بر برگ نخست « سؤال و جواب » نوشته، به تاریخ 23 ربیع الأوّل 1260 می باشد ( فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی : 147 / 17 شماره 4924 ؛ بیان المفآخر : 2 / 128 ) .



## سؤال و جواب در باره : مقدار آية الكرسي.

### اشاره

تأليف : علامه فقيه و محقق متبّع حاج سيّد محمد باقر شفتى قدس سره

مشهور به : حجّة الإسلام

( 1180 - 1260 هـ )

تحقيق : سيّد مهدي شفتى

ص : 51



## سؤال

سؤال: آية الكرسي عبارت است از آیه: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» إلى قوله تعالى: «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»؛ یا عبارت است از آیه شریفه مذکوره إلى قوله تعالى: «هُم فِيهَا خَالِدُونَ»؟

## جواب

جواب: این مطلب محلّ خلاف ما بین فقها است؛ از جماعتی از اعظام فقها ظاهر می شود که آیه الكرسي تا «هم فيها خالدون» بوده باشد.

ص: 53

## قائلين به امتداد آية الكرسي تا : هم فيها خالدون

منهم : شيخ الطائفة، قال في المصباح - في عمل ذي الحجة مشيراً إلى اليوم الرابع والعشرين منه - ما هذا لفظه :

في هذا اليوم تصدق أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - بخاتمه و هو راع (1)، روي عن الصادق عليه السلام أنه قال : من صلى في هذا اليوم ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة شكراً لله على ما منّ به عليه و خصّه به، يقرأ في كلّ ركعة أمّ الكتاب مرّة واحدة، و عشر مرّات « قل هو الله أحد »، و عشر مرّات « آية الكرسي »، إلى قوله : « هم فيها خالدون »، و عشر مرّات « إنا أنزلناه في ليلة القدر »، عدلت عند الله عزّوجلّ مائة ألف حجة و مائة ألف عمرة، و لم يسأل الله عزّوجلّ حاجةً من حوائج الدنيا والآخرة إلاّ قضاها له، كائناً ما كانت إن شاء الله عزّوجلّ .

و هذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير (2)، انتهى .

ص: 54

---

1- في المصدر : و هو راع الصلاة فيه .

2- مصباح المتهجّد، ص 703 .

و هذا الكلام منه إشارة إلى ما ذكره في يوم الغدير، و هو هذا :

إذا كان يوم الغدير و حضرت عند أميرالمؤمنين عليه السلام، أو في مسجد الكوفة، أو حيث كان من البلاد، فاغتسل في صدر النهار منه، فإذا بقي من الزوال نصف ساعة فصل ركعتين، تقرأ في كل ركعة منهما فاتحة الكتاب مرّة واحدة، و « قل هو الله أحد » عشر مرّات، و آية الكرسيّ عشر مرّات، و « إنّنا أنزلناه » عشر مرّات (1)، إلى آخره .

و چون که آیه الكرسيّ را در نماز روز بیست و چهارم تفسیر فرموده اند تا « هم فيها خالدون » و بعد فرموده اند : این بعینها همان نماز است که در روز عید غدیر ذکر فرموده اند، با آن که در آنجا آیه الكرسيّ را مطلقاً ذکر فرموده اند، مشخص است این عین آن در وقتی می شود که آن مرحوم معتقد این بوده باشد که آیه الكرسي ممتد است تا « هم فيها خالدون »، و هو المطلوب .

مجملاً تفسیری که در نماز روز بیست و چهارم مذکور است یا از خود مرحوم شیخ است، به این معنی که مذکور در حدیث، آیه الكرسيّ مطلق بوده، یا از جزء حدیث است ؟

اگر اول است می گوئیم : این نمی شود مگر آن که صاحب تفسیر معتقد این بوده باشد که آیه الكرسيّ ممتد است تا موضع مذکور ؛ پس دلالت این کلام بنا بر

ص: 55

این تقدیر که صاحب کلام معتقد امتداد آن است تا « خالدون » از فرط ظهور محتاج به بیان نیست .

و اگر ثانی است - چنانچه همین ظاهر است و اول بسیار بعید است - باز مدلول علیه به عبارت مذکوره آن است که آن مرحوم معتقد امتداد اصل آیه الکرسی است تا « خالدون »، چنانچه بیان شد .

و از آنچه مذکور شد مشخص می شود که مراد آن مرحوم از آیه الکرسی در کتاب نهاییه و مبسوط در نماز روز عید غدیر تا « خالدون » خواهد بود .

قال في النهاية :

يستحب أن يصلي الإنسان يوم الغدير إذا بقي إلى الزوال نصف ساعة بعد أن يغتسل ركعتين، يقرأ في كل واحدة منهما « الحمد » مرة، و « قل هو الله أحد » عشر مرات، و « آية الکرسي » عشر مرات، و « إنا أنزلناه » عشر مرات، فإذا سلّم دعا بعدهما بالدعاء المعروف (1).

و عبارت آن مرحوم در مبسوط، مثل عبارت نهاییه است (2).

پس آنچه در کتاب مصباح فرموده اند مبین مراد ایشان است در این دو کتاب، بلکه در هر جا که لفظ : « آیه الکرسی » در کتب ایشان مذکور شده باشد،

ص: 56

---

1- النهاية، ص 141.

2- المبسوط، ج 1، ص 132 .



مگر این که قرینه ای بر خلاف یافت شود .

و احتمال آن که مراد آن مرحوم از لفظ « بعینها » اصل آیه الكرسي است، نه تا حدی که مذکور شده، بسیار بسیار بعید است، ارتکاب آن ممکن نیست مگر با تحقق قرینه قویّه، و آن منتفی است .

مجملاً ظاهر از آنچه آن مرحوم در کتاب مصباح ذکر فرموده، آن است که آن مرحوم معتقد این بوده باشد که آیه الكرسي ممتد است تا « هم فيها خالدون »، و مؤکد این مطلب چیزی است که مذکور خواهد شد بعد از این در بیان دلالت عبارت مرحوم علامه و غیره بر این مطلب .

و منهم : سیدنا ابن طوس، فإنّ كلامه في الإقبال مطابق للكلام المذكور لشيخ الطائفة، قال :

فصل : فيما نذكره من عمل زائد في هذا اليوم العظيم الشأن ؛ روينا ذلك عن جماعة من الأعيان و الإخوان، أحدهم جدّي أبو جعفر الطوسي .

- إلى أن قال : - روي عن الصادق عليه السلام أنّه قال : من صلّى في هذا اليوم ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة شكراً لله على ما منّ به عليه و خصّه به، يقرأ في كلّ ركعة « أم الكتاب » مرّة واحدة، و عشر مرّات « قل هو الله أحد »، و عشر مرّات آية الكرسي إلى قوله تعالى : « هم فيها خالدون »، و عشر مرّات « إنّنا أنزلناه في ليلة القدر »، عدلت عند الله مائة ألف حجّة .

ص: 57

- إلى أن قال : - وهذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير (1).

وقد اتضح الحال في وجه دلالاته على المرام ممّا أسلفناه في كلام جدّه العلام .

ومنهم : العلامة - أحله الله تعالى محلّ الكرامة - في جملة من كتبه المعتمدة، قال في القواعد :

وصلاة الغدير ركعتان، قبل الزوال بنصف ساعة، يقرأ في كلّ منهما « الحمد » مرّة، وكلاً من القدر والتوحيد و آية الكرسيّ إلى قوله : « هم فيها خالدون » عشرًا (2).

وفي التذكرة :

يستحبّ أن يصليّ قبل الزوال بنصف ساعة يوم الصدقة بالخاتم - وهو الرابع والعشرون من ذي الحجة - شكرًا لله ركعتين، يقرأ في كلّ ركعة « الحمد » مرّة و « الإخلاص » عشر مرّات، و « القدر » عشر مرّات، و « آية الكرسيّ » إلى قوله : « هم فيها خالدون ».

قال الشيخ : وهذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير، وهي تعطي أنّ آية الكرسيّ (3) إلى قوله : « هم فيها خالدون » (4).

ص: 58

---

1- إقبال الأعمال، ج 2، ص 371 .

2- قواعد الأحكام، ج 1، ص 297.

3- في المصدر : آية الكرسي في يوم الغدير .

4- (4) تذكرة الفقهاء، ج 2، ص 285 .

وفي نهاية الأحكام :

يستحب أن يصلّى يوم الرابع والعشرين من ذي الحجّة، وهو يوم الصدقة بالخاتم، قبل الزوال بنصف ساعة، ركعتين، يقرأ في كلّ ركعة « الحمد » مرّة، وكلّ واحدة من « الإخلاص » و « آية الكرسي » إلى قوله : « هم فيها خالدون »، و « القدر » عشر مرّات .

قال الشيخ : وهذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير، وهي تعطي أن آية الكرسيّ في صلاة الغدير إلى قوله : « هم فيها خالدون » (1).

و منهم : شيخنا الكفعميّ، قال في الجتّة الواقية - في مقام بيان صلاة يوم الغدير - ما هذا كلامه :

وصفة صلاة هاتين الركعتين أن تقرأ في كلّ ركعةٍ منهما بعد الحمد « التوحيد » و « آية الكرسيّ » إلى : « خالدون »، و « القدر » عشرًا عشرًا، فهي تعدل عند الله تعالى مائة ألف حجّةٍ و مائة ألف عمرةٍ، ولم يسأل الله تعالى حاجةً من حوائج داريه إلا قضاه لها، كائنةً ما كانت .

ثمّ قال :

وصلاة يوم الصدقة بالخاتم - وهو الرابع والعشرون من ذي الحجّة -

ص: 59

---

1- نهاية الأحكام، ج 2، ص 96 .

وهي كالغدير كمًّا وكيفًا ووقتًا وثوابًا (1).

وفي البلد الأمين :

صلاة يوم الغدير ركعتان، وهي مروية عن الصادق عليه السلام، قال : من صلّى فيه ركعتين قبل الزوال، بنصف ساعة، شكرًا لله تعالى على ما منّ به عليه وخصّه به، يقرأ في كلّ ركعة « الحمد » مرّة، وكلاً من « التوحيد » و « آية الكرسي » الآيتين، و « القدر » عشرًا عشرًا (2)، إلى آخر ما ذكر .

وقوله : « الآيتين » الظاهر أنّه بتقدير « إلى آخر الآيتين » ؛ و القرينة كلامه في الجنة الواقية .

و منهم : شيخنا الشهيد في البيان، قال :

ثالثها : صلاة يوم الغدير قبل الزوال بنصف ساعة، يقرأ في كلّ ركعة « الحمد » مرّة، وكلاً من « التوحيد » و « آية الكرسي » و « القدر » عشرًا . و ثوابها مائة ألف حجّة و عمرة، و يعطى ما سأل .

- إلى أن قال - : و سابعتها : صلاة اليوم الرابع والعشرين من ذي الحجّة، وقت تصدّق عليّ عليه السلام بخاتمه، يصلّي قبل الزوال بنصف ساعة بصفة

ص: 60

---

1- المصباح، للشيخ إبراهيم الكفعمي، ص 413.

2- البلد الأمين، ص 166.

صلاة الغدير، انتهى كلامه رفع مقامه (1).

وجه دلالت کردن این کلام بر این که اعتقاد آن مرحوم امتداد « آیه الكرسي » است تا « خالدون »، آن است : چون که آیه الكرسي در صلاة روز بیست و چهارم مبین شده است که تا « خالدون » است و در صلاة روز غدیر مطلق است ؛ و حکم بر این که صلاة بیست و چهارم مثل صلاة غدیر است، با آن که در صلاة بیست و چهارم بیان شده است که مراد از « آیه الكرسي » تا « خالدون » می باشد، مستلزم این است که حاکم به این حکم معتقد این بوده باشد که آیه الكرسي ممتد است تا موضع مذکور .

لکن ظاهر از کلام آن مرحوم در « ذکرى » خلاف این است ؛ قال :

و من الصلوات المستحبة صلاة يوم الغدير، وهي مشهورة بين الأصحاب .

- ثم ذكر الحديث الآتي، ثم قال : - و منها : صلاة يوم المباهلة، وهي (2) الرابع والعشرون من ذي الحجة في أظهر الروايات . و روي : أنه الخامس والعشرون منه .

- إلى أن قال - : و روي عن الصادق عليه السلام : أنه يصلي فيه ركعتان بصفة

ص : 61

---

1- البيان ( ط . ج ) ص 216 .

2- في المصدر : و هو .

صلاة يوم الغدير، إلا أنه قال في آية الكرسي: إلى قوله: «هم فيها خالدون» (1).

نظر به این که اگر اعتقاد آن مرحوم این می بود که آیه الكرسي ممتد است تا «خالدون»، فرقی ما بین روایتین نبود مگر به اجمال و تفصیل ؛ و این موجب استثناء نمی شد .

ممکن است که مراد محض تصریح بوده باشد، یعنی مخالفت ما بین حدیث در دو مقام نیست مگر آن که در حدیث روز بیست و چهارم تصریح شده است تا «هم فيها خالدون»، به خلاف در حدیث غدیر .

و این اگر چه بعید است، لکن مؤید است به آنچه در « بیان » فرموده، بیان خواهد شد .

مجملاً چون که مقتضای کلام آن مرحوم در « بیان » این است که معتقد این بوده است که آیه الكرسي ممتد است تا «خالدون».

و عبارت « ذکرى » ممکن است حمل شود به نحوی که مطابق با آن بوده باشد، چنانچه که ممکن است که حمل شود به نحوی که مخالف با آن باشد ؛ اول اگر چه بعید بوده باشد، اولی است .

ص: 62

به علاوه می گوئیم : کتاب « بیان » متأخر است از کتاب « ذکرى » در تصنیف، بنا بر این بر فرض تسلیم تخالف ما بین کتابین، ما فی « بیان » دلیل است بر عدول از آنچه در « ذکرى » فرموده، پس اعتنائی به آن نخواهد بود .

و أمّا تأخر « بیان » از « ذکرى » در تصنیف، پس ایمائی دارد به کلام آن بزرگوار در اول « دروس » و دلالت دارد بر آن کلام آن مرحوم در « بیان »، نظر به این که در مواضع متعدده در کتاب « بیان » حواله فرموده اند به کتاب « ذکرى »، منها : ما فی أواخر مباحث دفن المیت، قال :

كلّما يهدى إلى المیت ينفعه ؛ و قد استوفينا هذا (1).

و منها : ما فی أواخر مباحث صلاة الجمعة، قال :

و يستحبّ الاکتحال بالإثم عند النوم وترًا وترًا، و تمام الآداب مذکور فی الذکری (2).

و منها : ما فی مباحث القضاء، قال :

والمشهور عدم جواز التنقل لمن عليه قضاء، والأقرب جواز ما لا يضرب

ص: 63

---

1- فی المصدر : هذا الباب . \*\*\* فی کتاب الذکری \*\*\* (2) (البيان، ص 33).

2- البيان، ص 111.

بالقضاء ؛ وقد حَقَّقناه في الذكرى (1).

و منهم : المحقق الثاني ؛ قال في الجعفرية (2) :

و منها : صلاة الغدير (3)، إلى آخر ما ذكره .

و منهم : المولى الممتطي التقي المجلسي، قال في كتاب الصوم من اللوامع - عند مقام بيان صلاة الغدير - ما هذا لفظه :

هر که در این روز دو رکعت نماز کند، به این که قبل از زوال به نیم ساعت غسل کند، و در هر رکعتی یک مرتبه حمد، و ده مرتبه « قل هو الله أحد »، و ده مرتبه آیه الكرسي تا « هم فيها خالدون »، و ده مرتبه « إنا أنزلناه » بخواند (4)، إلى آخره .

ص: 64

---

1- البيان، ص 153.

2- جعفرية « رساله مختصری در بیان نمازهای واجب و مستحب و مقدمات آنها از طهارت و غیر آن است که مرحوم محقق کرکی آن را برای امیر جعفر نیشابوری تألیف کرده و به همین مناسبت نام آن را جعفریه نهاده است .

3- في المصدر : صلاة يوم الغدير . \*\*\* قبل الزوال بنصف ساعة، و هي ركعتان، يقرأ في كل ركعة « الحمد » مرّة، و كلاً من « القدر » و « التوحيد » و « آية الكرسي » إلى قوله : « هم فيها خالدون » عشرًا \*\*\* (4) رساله الجعفرية، المطبوع ضمن : حياة المحقق الكرکي و آثاره، ج 4، ص 208 .

4- لوامع صاحبقرانی، ج 6، ص 227.



و منهم : المحدث القاساني، قال في خلاصة أذكاره :

ليوم الغدير صلاة ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة، يقرأ في كل ركعة « الحمد » مرّة، و « قل هو الله أحد » عشر مرّات، و « آية الكرسي » إلى قوله تعالى : « هم فيها خالدون » عشر مرّات، و « القدر » عشر مرّات، صادقّي، انتهى (1).

مراد به قول : « صادقي » اين است كه : مروى از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام است (2).

مشخص شد مروى مشتمل بر مطلق آية الكرسي است ؛ تفسير مذکور دليل است بر اين كه صاحب تفسير معتقد اين است كه آية الكرسي ممتد است تا « خالدون ».

وقال أيضاً في الفصل الحادي عشر - الموضوع لبيان آداب المسافر من الكتاب المذكور - ما هذا لفظه :

لاستحفاظه - أي : المسافر - أن يقرأ خلفه آية الكرسي إلى : « هم فيها

ص: 65

1- خلاصة الأذكار، ص 99 .

2- اين روايت در إقبال الأعمال از امام صادق عليه السلام چنين آمده است : « من صلّى فيه ركعتين ... كذلك عدلت عند الله عزوجلّ مائة ألف حجّة و مائة ألف عمرة، و ما سأل الله عزوجلّ حاجة من حوائج الدنيا والآخرة كائنة ما كانت إلا أتى الله على قضائها في يسر و عافية ».

و منهم : صاحب الذخيرة، قال في كتاب مفاتيح النجاة - في مقام بيان العمل في الرابع والعشرين من ذي الحجة - ما هذا لفظه :

سُتت است نمازی که در روز غدیر گذشت به جا آورد، انتهى (2).

و چون که مستند نماز روز بیست و چهارم مشتمل است بر آیه الكرسي تا « هم فيها خالدون » - چنانچه بیان شد - و مستند نماز غدیر مشتمل است بر مطلق آیه الكرسي - چنانچه بیان خواهد شد - پس حکم بر این که نماز روز بیست و چهارم نماز روز غدیر است، در وقتی ممکن است که : حاکم این حکم معتقد امتداد آیه الكرسي بوده باشد تا « هم فيها خالدون ».

و قال أيضاً فيما قبل ذلك - عند بيان رقعة الجيب - ما هذا لفظه :

و بنویسد آیه الكرسي على التنزيل ؛ و آیه الكرسي على التنزيل - چنانچه بعضی از علما ذکر فرموده اند - این است : « المَ أَلَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّمَوَاتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرَى عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ »، تا

ص: 66

- 
- 1- خلاصة الأذكار، ص 101 .
  - 2- مفاتيح النجاة، لم نعثر عليه .

قول الله: « هُم فِيهَا خَالِدُونَ » ؛ والحمد لله رب العالمين، انتهى ما في مفاتيح النجاة (1).

و منهم : العلامة السميّ المجلسي، قال في زاد المعاد :

وأما كَيْفِيَّةُ نَمَازِ رُوزِ عِيدِ غَدِيرٍ، نَمَازِ مَشْهُورِشِ أَنْ اسْتَكْرَمَتْ مِنْهُ رُكْعَتَانِ صَادِقَتَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتُ كَرْدِيَّةٌ : هَرُ كَهْ دَرِ اَيْنِ رُوزِ نَيْمِ سَاعَتِ پِيَشِ اَزِ زَوَالِ شَمْسِ دُورُكْعَتِ نَمَازِ بَهْ جَا آوَرْدِ وَ دَرِ هَرِ رُكْعَتِ سُورَةُ حَمْدِ يَكْ مَرْتَبَةً وَ « قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ » وَ « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ تَا « هُم فِيهَا خَالِدُونَ » هَرِ يَكْ رَا دَهْ مَرْتَبَةً بِخَوَانَدِ، بَرَابَرِ بَاشَدِ نَزْدِ حَقِّ تَعَالَى بِأَصْدِ هَزَارِ حَجِّ وَ صَدِّ هَزَارِ عَمْرِهِ (2).

وجه دلالت عبارات مذکوره بر این که صاحبان آنها معتقد امتداد آیه الكرسي می باشند تا « هم فيها خالدون »، آن است که چون که مستند نماز روز عید غدیر مشتمل است بر آیه الكرسي مطلق، و این بزرگواران در مقام تفسیر، ذکر فرموده اند تا « هم فيها خالدون »، مشخص است این تفسیر در صورتی تفسیر می تواند شد که آن بزرگواران معتقد امتداد آیه الكرسي بوده باشند تا « خالدون ».

ص: 67

---

1- مفاتيح النجاة، لم نعثر عليه .

2- زاد المعاد، ص 334 .

كما لا يخفى وجهه على من له أدنى تأملٍ، فالمناسب في المقام إيراد المستند المذكور، فإنّ الاطلاع به من أعظم ما له مدخليّة في الوصول إلى المرام .

فنقول : روى شيخ الطائفة - نور الله تعالى مرقده - في التهذيب عن الحسين بن الحسن الحسيني، قال : حدّثنا محمّد بن موسى الهمداني، قال : حدّثنا عليّ بن حسان الواسطي، قال : حدّثنا عليّ بن الحسين العبدي، قال : سمعت أبا عبد الله الصادق عليه السلام يقول :

صيام يوم غدیر خمّ يعدل صيام عمر الدنيا لو عاش إنسان ثمّ صام ما عمرت الدنيا لكان له ثواب ذلك ؛ وصيامه يعدل عند الله عزّوجلّ في كلّ عام مائة حجّة و مائة عمرة، مبرورات متقبّلات، وهو عيد الله الأكبر، و ما بعث الله عزّوجلّ نبياً قطّ إلاّ و تعيد في هذا اليوم و عرف حرّمته، و اسمه في السماء : يوم العهد المعهود، و في الأرض : يوم الميثاق المأخوذ و الجمع المشهود، من صلّى فيه ركعتين يغتسل عند زوال الشمس من قبل أن تزول مقدار نصف ساعة، يسأل الله عزّوجلّ، يقرأ في كلّ ركعة سورة « الحمد » مرّة، و عشر مرّات « قل هو الله أحد »، و عشر مرّات « آية الكرسي »، و عشر مرّات « إنّنا أنزلناه »، عدلت عند الله عزّوجلّ مائة ألف حجّة و مائة ألف عمرة، و ما سأل الله عزّوجلّ حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة إلاّ قضيت كائنه ما كانت الحاجة، فإن فاتتك الركعتان و الدعاء قضيتها (1)

ص: 68

1- في المصدر : قضيتهما .

بعد ذلك، الحديث (1).

بعد از آن که مطلع بر مستند نماز مزبور شدی، می گوئیم: آیه الكرسي در این حدیث مطلق است، و تفسیر این بزرگواران در مقام بیان به این نماز آیه الكرسي را تا «هم فيها خالدون» به جهت این است که معتقد امتداد آن می باشند تا موضع مذکور، و هو المطلوب.

و منهم: السيد السند السيد طاهر بن السيد رضي الدين الحسيني في شرحه على «الجعفرية» (2)، فإنه في مقام الشرح أورد العبارة المذكورة من الجعفرية ساكتاً عن القدر فيها، بل على وجه يظهر منه الإذعان بحقيقتها.

مضافاً إلى أنه استدلل لذلك بقوله: «لرواية»، والمراد بالرواية هو الحديث المذكور؛ و معلوم أن ذلك إنما يستقيم عند اعتقاد امتداد آية الكرسي إلى «خالدون»، كما لا يخفى.

و منهم: شارحه الآخر، و كلامه في الدلالة على المرام أظهر ممّا ذكر، قال:

و منها: صلاة يوم الغدير، و هو الثامن عشر من ذي الحجة؛ و قال الصادق عليه السلام: ما بعث الله عزّوجلّ نبياً إلا و يعيد في هذا اليوم و عرف حرمة، و سنّ في ذلك اليوم مؤكّداً الخروج إلى خارج المصر، و عقد

ص: 69

---

1- (1) تهذيب الأحكام، ج 3، ص 143، ح 317.

2- الحيدرية في شرح الجعفرية الكركية: لم نعثر عليه.

الصلاة اقتداءً برسول الله صلى الله عليه وآله. ووقتها قبل الزوال بنصف ساعة لمن يتكامل له أهلية إمامة الجماعة، وهي - أي : صلاة الغدير - ركعتان بعد الغسل في ذلك اليوم، يقرأ في كل ركعة فيها : « الحمد » مرّةً، و كلاً من « القدر » و « التوحيد » و آية الكرسيّ إلى قوله : « هم فيها خالدون » عشر مرّات، للرواية (1).

انتهى كلامه متناً و شرحاً .

وقال فيما بعد ذلك :

و منها : صلاة الرابع والعشرين من ذي الحجّة، كصلاة يوم الغدير .

و منهم : العلامة السميّ المجلسي، وقد سمعت عبارته في « زاد المعاد » ؛ وقال في « مرآة العقول » - بعد أن أورد الحديث في روضة الكافي، عن إسماعيل بن عباد، عن أبي عبد الله عليه السلام : « وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ » و آخرها : « وهو العليّ العظيم » و الحمد لله ربّ العالمين، و آيتين بعدها - ما هذا لفظه :

قوله عليه السلام : و آيتين بعدها أي : ذكر آيتين بعدها و عدّهما من آية الكرسيّ، فإطلاق آية الكرسيّ عليها على إرادة الجنس، و تكون ثلاث آيات، كما يدلّ عليه بعض الأخبار (2).

ص: 70

1- لم نعثر عليه .

2- مرآة العقول، ج 26، ص 315، ح 438 .

انتهى كلامه - رفع مقامه - والضمير في قوله عليه السلام: « فيكون ثلاث آيات » عائذ إلى آية الكرسي، فدلالته على امتدادها عنده إلى « خالدون » ظاهرة.

و منهم : شيخنا البهائي، قال في مفتاح الفلاح في تعقيب صلاة الصبح :

ثم اقرأ فاتحة الكتاب، و آية الكرسي إلى « هم فيها خالدون » (1).

و منهم : المولى الفاضل جمال الدين الخوانساري، قال في ترجمة « مفتاح الفلاح » ما هذا لفظه :

بعد از آن بخوان فاتحة الكتاب و آية الكرسي را « اللّٰه لا إله إلا هو الحيّ القيوم » (2).

و ذکر فرموده اند تا : « هم فيها خالدون » ؛ اگر چه آنچه ذکر فرموده اند ترجمه عبارت مذکوره از مفتاح الفلاح می باشد، لکن چون مطلقاً متعرض قدح نشده اند، این مظهر اذعان به حقیقت آن است .

و چون که کلمات مذکوره که دالّ است بر امتداد آیه الكرسيّ إلى « خالدون » صادر شده است از اکابر و أعظم فقهاء - قدّس اللّٰه تعالی ارواحهم - شاید از این راه بوده باشد که جنّت مکان، خلد آشیان، شیخ جعفر نجفی - قدّس اللّٰه تعالی روحه القدسی - در « کشف الغطاء » این قول را اختیار فرموده، قال - في مقام

ص: 71

---

1- مفتاح الفلاح، ص 55 .

2- ترجمة مفتاح الفلاح، مخطوطة مجلس الشورى : رقم 90799 .

بيان الأمور المكروهة حال التخلّي - ما هذا لفظه :

و منها : الكلام على الخلاء، ويُستثنى منه ذكر السرّ وقراءة آية الكرسيّ إلى « خالدون » (1).

ص: 72

---

1- لم نجده بهذه العبارة في كشف الغطاء، بل فيه هكذا : « و منها : الكلام حال التخلّي ؛ إلى أن قال : وسوى آية الكرسيّ إلى العظيم، أو إلى خالدون على اختلاف الرايين ».



## قائلين به امتداد آية الكرسي تا : العلي العظيم

تا حال بيان قائلين امتداد آية الكرسي تا « هم فيها خالدون » و كلمات ايشان بود، واما قائلين بر اين كه آية الكرسي منتهى مى شود به « العلي العظيم »، پس ايشان نيز جماعتى از أجله اصحاب مى باشند :

منهم : شيخنا الشهيد الثاني، قال في شرحه على الإرشاد :

و الظاهر أن المراد بآية الكرسي الآية التي يذكر فيها الكرسي، أولها : « الله لا إله إلا هو الحي القيوم » إلى « العلي العظيم » (1).

وقال في شرحه على النفلية - بعد أن ذكر : « و يقرأ الحمد و آية الكرسي » - ما هذا لفظه :

و لا نصّ هنا على تحديدها، والإطلاق يقتضي أنّ آخرها « العلي العظيم ». و إن كانت في بعض الموارد محدّدة إلى « خالدون »، فهو

ص: 73

---

1- روض الجنان، ج 2، ص 874 .

و منهم : المولى المحقق الأردبيلي، قال في « مجمع الفائدة » :

والظاهر من آية الكرسيِّ أنَّها إلى قوله : « و هو العليُّ العظيم »، كما هو المقرَّر عند القراء والمفسِّرين (2).

و منهم : صاحب « مجمع البحرين » قال :

و آية الكرسيِّ معروفةٌ، و هي إلى قوله : « و هو العليُّ العظيم » (3).

ظاهر این است که مراد از این کلام این بوده باشد که : أصل آية الكرسيِّ معروف است، نه این که مراد آن بوده باشد که معروف این است که آية الكرسيِّ تا « و هو العليُّ العظيم » بوده باشد ؛ و آلا حاجت نمی بود به قول : « و هي إلى « العليُّ العظيم »، كما لا يخفى على المتأمل .

و منهم : الفاضل الخليل القزويني ؛ و به صرَّح في مواضع من شرحه على الكافي :

منها : ما تمسك في باب الدعاء في أدبار الصلوات من كتاب الدعاء من « أصول الكافي »، قال :

ص: 74

---

1- الفوائد الملية، ص 247 .

2- مجمع الفائدة و البرهان، ج 3، ص 32.

3- مجمع البحرين، ج 4، ص 32.

آية الكرسي إلى آخرها عبارت است از : « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » (1).

و منها : ما ذكره في باب الحرز والعقدة من الكتاب المذكور - في شرح الحديث الذي رواه قتيبة الأعشى، قال : « علّمني أبو عبد الله عليه السلام قال : قل : بسم الله الجليل، أعيد فلاناً بالله العظيم من الهامة والسامة واللامّة والعامّة، و من الجنّ والإنس، و من العرب و العجم، و من نفثهم و بغيهم و نفخهم، و بآية الكرسي، ثمّ تقرأها، ثمّ تقول في الثانية : بسم الله أعيد فلاناً بالله الجليل، حتّى تأتي عليه » (2) - حيث قال ما هذا لفظه :

يعنى تعليم کرد مرا امام جعفر صادق عليه السلام در عودة، گفت که بگو : پناه می دهم به نام الله که مبرا از عیب و نقصان است، پناه می دهم فلان را بالله که بزرگ است از گزندگان کشنده، و گزندگان غیر کشنده، و چشم بد، و بلایی که فروگیرنده مردمان باشد از جنّ و انس، و از عرب و عجم، و از شرّ ایشان و دروغ ایشان و از دمیدن ایشان، و به آية

ص: 75

1- صافی در شرح کافی، مخطوط .

2- الکافی، ج 2، ص 570، ح 5 .

الكرسى؛ بعد از آن می خوانی آیه الكرسي را كه: « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ».

بعد از آن می گویی در بار دوم كه: بسم الله أعيد فلاناً بالله الجليل عن الهامة، تا آنكه تمام کنی دعا را (1).

و منها: ما ذكره في شرح الحديث الموثق المروي في باب: « فضل القرآن » من كتاب فضل القرآن من الكافي، عن يعقوب بن شعيب، عن أبي عبدالله عليه السلام، قال:

لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - هَذِهِ الْآيَاتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَقَلْنَ: أَي رَبِّ! إِلَى أَيْنَ تَهْبِطُنَا؟ إِلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ؟

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِنَّ: أَنْ أَهْبِطْنَ، فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَتَلَوَكَنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ فِي دَبْرِ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتَ إِلَيْهِ بَعِينِي الْمَكْنُونَةَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضِي لَهُ فِي كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً، وَقَبْلَتَهُ عَلَيَّ مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَاصِي، وَهِيَ: أَمَّ الْكِتَابِ، وَ « شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

ص: 76

1- صافی در شرح کافی، مخطوط .

حيث قال :

و آيه أول آيه أم الكتاب است، كه در سوره آل عمران است : « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ « (2).

و آيه ثانيه در سوره آل عمران : « شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ «.

آيه ثالته : آيه الكرسي است كه در سوره بقره است : « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ « (3).

ص: 77

1- آل عمران / 18 . \*\*\* ، و آية الكرسي ، و آية الملك \*\*\* (2) الكافي ج 2، ص 620، ح 2 .

2- آل عمران / 7 .

3- البقرة / 255 .

آیه رابعه : آية الملك که در سوره آل عمران است : « قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » (1).

مجملاً، مرحوم آخوند ملا خلیل مسطور، در موارد بسیار در شرح خود تصریح فرموده به این که آیه الکرسی عبارت از آیه مذکوره است .

و منهم : مولانا الصالح المازندراني في شرحه على الأصول، قال :

الظاهر أن آية الكرسي من قوله : « الله » إلى « العلي العظيم » (2).

وإن خالفه في ما قبل ذلك وقال في شرح : « وبآية الكرسي إلى آخرها » :

إلى « هم فيها خالدون »، كما صرح به الشيخ في المفتاح (3).

لكن التعويل على المتأخر، لدلالته على العدول عما ذكره فيما قبل، مضافاً إلى إمكان أن يقال : إن ما ذكره فيما قبل يمكن أن يكون على وجه الحكاية وإن كان بعيداً .

و منهم : السيد الجليل السيد علي صدر الدين الحسيني الحسيني في شرحه على الصحيفة السجادية - على مئسثها آلاف السلام والثناء والتحية - قال في أول

ص: 78

1- آل عمران / 26 .

2- شرح أصول الكافي، ج 10، صص 343 و 383 .

3- شرح أصول الكافي، ج 11، ص 59 .

التنبهات التي أوردها في أواخر شرحه المذكورة ما هذا لفظه :

آية الكرسي أولها : « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ » إلى قوله : « الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ »، نصّ على ذلك بعض أصحابنا المتأخرين، وهو المشهور (1).

انتهى كلامه رفع مقامه ؛ ولا يخفى أن نسبة التصريح إلى بعض الأصحاب غير ملائم لدعوى الاشتهار .

ثم أقول : وافقه في هذه الدعوى العلامة السميّ المجلسي، قال في البحار :

والمشهور أن آية الكرسي إلى : « العليّ العظيم »، ويظهر من بعض الأخبار أنّها إلى « خالدون » (2).

وقد سمعت كلامه في شرح روضة الكافي المسمّى بمرآة العقول .

وهذا القول هو الظاهر من المفسرين من الخاصة والعامة، عدا عليّ بن إبراهيم، فإنّ الظاهر من كلماتهم إطباقهم على انتهاء آية الكرسي ب « العظيم »، فما دلّ على الكلام السالف من المولى المحقق الأردبيليّ مطابق للواقع ؛ إلا أنّ الإتيان بصيغة الجمع المحلّي باللام فيه شيء، لما استتف عليه .

وإنّما قلنا عدا عليّ بن إبراهيم، فإنّه لا يمكن دعوى ظهور كلامه في تفسيره في ذلك، بل ربّما يمكن دعوى ظهور كلامه في الامتداد إلى « خالدون »، فهذا أنا

ص: 79

1- رياض السالكين، ج 7، ص 425 .

2- بحار الأنوار، ج 83، ص 4.

أورد كلامه بطوله للاطلاع على حقيقة الحال .

فأقول : قال :

وَأَمَّا آيَةُ الْكَرْسِيِّ، فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ أَنَّهُ قَرَأَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» - أي: نعاسٌ - «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» و ما بينهما و ما تحت الثرى، عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ»، قال: ما بين أيديهم فأمر الأنبياء و ما كان «وَمَا خَلَقَهُمْ» أي: ما لم يكن بعد .

قوله: «إِلَّا بِمَا شَاءَ»، أي: بما يوحى إليهم؛ «وَلَا يُؤْذُهُ حِفْظُهُمَا» أي: لا يتقل عليه حفظ ما في السماوات و الأرض .

قوله: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» أي: لا يكره أحدًا على دينه إلا بعد أن يتبين له «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ» و هم الذين غصبوا آل محمدٍ حقهم .

قوله: «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» يعني: الولاية؛ «لَا انفصامَ لَهَا»، أي: حبلٌ لا انقطاع له .

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» يعني أمير المؤمنين والأئمة عليهم السلام؛ «يُنْخِرُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا» - وهم الظالمون آل محمدٍ عليهم السلام -

ص: 80



« أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ » وهم الذين تبعوا من غضبهم « يَخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ »، والحمد لله رب العالمين ؛ كذلك نزلت .

حدّثني أبي عن النضر بن سويد، عن موسى بن بكر، عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام : قوله : « وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ » سَأَلْتُهُ أَيُّمَا أَوْسَعِ، الكرسيّ أو السماوات والأرض ؟ قال : بل الكرسيّ وسعت السماوات والأرض، وكلّ شيء خلق الله في الكرسيّ « (1) »، انتهى .

وجه ظهوره فيما ذكر أمران :

أحدهما : أنّه لو كان معتقداً بأنّ آخر آية الكرسيّ « وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » كان المناسب ذكر الحديث المتعلّق بالكرسيّ هناك ؛ وعدم ذكره هناك و ذكره بعد الآيتين يرشد إلى اعتقاده امتداده بامتدادهما، وهو ظاهرٌ .

والثاني : قوله : « كذلك نزلت »، بناءً على أنّ المقرّر عند النحاة أنّه إذا كان المراد هو الإشارة إلى القريب يؤتى باسم الإشارة مجردة عن الكاف، وإذا كان المراد الإشارة إلى البعيد يؤتى معها ومع اللام - كما ذهب إليه جماعة من أعاضهم - أو من غيرها بمعنى عدم لزوم الإتيان بها، لا امتناع الإتيان بها، كما قال ابن مالك في منظومته :

ص: 81

---

1- تفسير عليّ بن إبراهيم القمّي، ج 1، ص 84 .

... ولدى البعد انطقا\*\*\*بالكاف حرفاً دون لام أو معه (1)

والحاصل : أنهم أطبقوا على أنه إذا كان المراد الإشارة إلى القريب يؤتى باسم الإشارة مجردة عن اللام والكاف، لكنهم اختلفوا في أن الإشارة إلى المتوسط مثل الإشارة إلى البعيد، فاللازم فيهما استعماله مع الكاف، سواء ذكر اللام معها أو لا، فلا يكون فرق في اسم الإشارة فيما إذا كان المشار إليه متوسطاً أو بعيداً، أو ليس الأمر كذلك، أو يستعمل مع الكاف من دون لام إذا كان المشار إليه متوسطاً، و معها فيما إذا كان بعيداً .

إذا علمت ذلك نقول : إن « كذلك » في كلام علي بن إبراهيم : « كذلك نزلت » لا يكون إشارة إلى خصوص : « والحمد لله رب العالمين » والكلمة التي قبلها، إذ حينئذ لا بد أن يقول : كذا نزلت، فيكون إشارة إلى مجموع ما رواه عن مولانا الرضا عليه السلام إلى آخره، فمقتضاه امتداد آية الكرسي إلى « خالدون » مع قول : « والحمد لله رب العالمين » ؛ فتأمل .

فالمتحصل مما ذكر أن القائلين بامتداد آية الكرسي إلى « خالدون » هم : شيخ الطائفة، والسيد بن طاوس، والعلامة، و شيخنا الشهيد، و المحقق الثاني، و شارحاً كلامه في الجعفرية، و شيخنا الكفعمي، و شيخنا البهائي، و المولى التقي المجلسي، و ولده الأجل الأعظم، و صاحب الذخيرة، و المحدث القاساني، و شيخنا النجفي

ص: 82

---

1- انظر البهجة المرضية على ألفية ابن مالك، ج 1، ص 59 .

- قدّس الله تعالى أرواحهم .

وأنّ القائلين بانتهاؤه إلى « العظيم » : شيخنا الشهيد الثاني، و المولى المحقّق الأردبيلي، وغيرهما ممّن سمعت كلامهم ؛ وقد علمت أنّه الظاهر من أكثر المفسّرين .

## المستند للقول الأوّل

والمهمّ في المقام هو التكلّم في مستند القولين، فنقول : يمكن الاستدلال للقول الأوّل بعدّة نصوص :

منها : ما رواه شيخ الطائفة في المصباح، قال : روي عن الصادق عليه السلام أنّه قال : من صلّى في هذا اليوم - أي : في يوم الرابع و العشرين من ذي الحجّة - ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة، شكراً لله على ما منّ به عليه و خصّه به، يقرأ في كلّ ركعة « فاتحة الكتاب » مرّةً واحدة، و عشر مرّات « قل هو الله أحد »، و عشر مرّات « آية الكرسي » إلى قوله : « هم فيها خالدون »، و عشر مرّات « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » (1) إلى آخر ما حكينا عنه فيما سلف (2).

ص: 83

---

1- مصباح المتهدّد، ص 703 .

2- (2) مصباح المتهدّد، ص 703 .

رواه سيّدنا ابن طاوس عن جماعةٍ من الأعيان، منهم : شيخ الطائفة، حيث قال - مشيراً إلى اليوم الرابع والعشرين من ذى الحجة - ما هذا لفظه :

فصلٌ : فيما نذكره من عملٍ زائدٍ في هذا اليوم العظيم الشأن، روينا ذلك عن جماعةٍ من الأعيان و الإخوان، أحدهم : جدّي أبو جعفر الطوسي فيما يذكره في المصباح ؛ إلى آخر ما حكينا عنه فيما سلف (1).

وجه الدلالة هو : أنّ الظاهر من هذا الكلام أنّ التحديد المذكور إنّما هو لآية الكرسيّ، لما في آخرها من الخفاء، فبيّن أنّها إلى « خالدون » ؛ فعلى هذا يكون التقدير : وعشر مرّات « آية الكرسيّ »، وهي إلى قوله : « هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ».

فلو لم يكن هذا هو المراد، بل كان المراد هو القراءة إلى ذلك، وأنّ آية الكرسيّ تنتهي إلى : « العَلِيُّ الْعَظِيمُ »، كان المناسب أن يقول : و عشر مرّات آية الكرسيّ وأيتين بعدها، كما لا يخفى .

و هذا المعنى هو الذي فهمه منه شيخ الطائفة و سيّدنا ابن طاوس، حيث إنّهما بعد أن أوردوا الحديث قالا :

و هذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير (2).

وقد عرفت ممّا أسلفناه أنّ الحديث في يوم الغدير اشتمل على لفظ آية

ص : 84

---

1- إقبال الأعمال، ج 2، ص 371 .

2- مصباح المتهجّد، ص 703 ؛ إقبال الأعمال، ج 2، ص 371 .

الكرسيّ فقط ؛ و معلوم أنّ هذا البيان إنّما يليق إذا فهم من قوله عليه السلام : « إلى قوله : « هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » » أنّه بيانٌ لآية الكرسيّ، كما لا يخفى .

و مثله العلامة في « القواعد »، و شيخنا الشهيد في « البيان »، و المحقق الثاني في « الجعفرية »، و شارحاه اللذان مرّ ذكر كلاهما، و شيخنا الكفعمي في « الجذّة الواقية » و « البلد الأمين »، و المولى التقيّ المجلسيّ، و نجله الأكمل الأعظم، و صاحب « الذخيرة »، و المحدث القاساني - قدّس الله أرواحهم - كما علمت ممّا حكينا عنهم .

و الحديث و إن كان مرسلًا، لكن اعتضاده بعمل هؤلاء الفحول يسهل الخطب فيه .

و منها : ما رواه شيخنا الكفعمي في بعض الحواشي الذي كتبه في أوائل « البلد الأمين » حاكياً عن كتاب « الفرج بعد الشدة » :

عن النبيّ صلى الله عليه وآله أنّه قال : من قرأ أوّل البقرة إلى « المفلحون » (1) « وإلهكُم إلهٌ واحدٌ » (2) الآية، و آية الكرسيّ إلى « خالِدُونَ » (3) « و إنّ ربّكُم الله » - في الأعراف - « إلى المُحْسِنِينَ » (4) و أوّل

ص: 85

1- البقرة / 5 .

2- (البقرة / 163) .

3- (البقرة / 255) .

4- (البقرة / 5) .

الصافّات إلى « لا زب » (1)، و « يا معشَرَ الجنِّ وَ الإنسِ » - في الرّحمن - إلى « تنتصران » (2)، و آخر سورة الحشر، و « قل أوحى إليّ في الجنِّ » إلى قوله: « شَطَطًا » (3) كفى كلّ شيطانٍ ماردٍ و سلطانٍ عاد، انتهى (4).

وجه الدلالة يظهر ممّا ذكر .

و منها : ما رواه في روضة الكافي، عن محمّد بن خالد، عن حمزة بن عبيد، عن إسماعيل بن عباد، عن أبي عبد الله عليه السلام : « وَ لا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ »، و آخرها : « وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » و الحمد لله ربّ العالمين و آيتين بعدها (5).

بناءً على أنّ المرجع للضمير في قوله : « آخرها » آية الكرسيّ، و قوله : « وآيتين بعدها » فيه حذف، و التقدير : و ذكر آيتين، كما مرّ التصريح به في كلام العلامة السميّ المجلسيّ، فالمرجع للضمير في « بعدها » : الآية المذكورة، والمعنى : أنّ آية الكرسيّ هي الآية المذكورة و الحمد لله ربّ العالمين والآيتان

ص: 86

1- (1) البقرة / 163 .

2- (2) الرحمن / 33 - 35 .

3- (3) الجنّ / 1 - 4 .

4- (4) البلد الأمين، ص 10 .

5- الكافي، ج 8، ص 290، ح 438 .

بعدها ؛ وهو المناسب لسوق الكلام .

وأما ما ذكره السيّد السند عليّ صدر الدين في رياض السالكين بقوله :

إنّ الرواية وردت بنصب آيتين، ولا وجه للنصب إلاّ بعاملٍ مقدّرٍ، والتقدير : واقرأ آيتين بعدها، فيكون الكلام قد تمّ عند قوله : « و الحمد لله ربّ العالمين »، فيكون ذلك آخرها ؛ ويحتمل أن يكون خبر آخرها وقوله : « وهو العليّ العظيم » وقوله : « الحمد لله ربّ العالمين » في محلّ نصب على تقدير القول، أي : و قل : الحمد لله ربّ العالمين أيضاً، واقرأ آيتين بعدها (1).

فهو مخالفٌ للظاهر ؛ إذ المفروض أنّه في مقام التحديد لآية الكرسيّ، فقال عليه السلام : و آخرها « العليّ العظيم »، فتقدير القراءة حينئذٍ غير ملائم لسوق الكلام قطعاً، فمثل هذا الاحتمال لمخالفته للظاهر جدّاً غير قاذح للاستدلال .

والحاصل : أنّ المذكور في كلامه من أنّه لا وجه للنصب إلاّ بعاملٍ مقدّر، وإن كان مسلماً، لكنّ الفعل المقدّر في كلامه غير مناسبٍ لسوق الكلام ؛ لأنّ حاصل الكلام حينئذٍ يكون هكذا : آخر آية الكرسيّ « وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » و قل : « الحمد لله ربّ العالمين » واقرأ آيتين بعدها، فإنّ تقدير القول في الأوّل إنّما يليق إذا كان المراد هكذا : إذا علمت أنّ آخر آية الكرسيّ « الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » فاشكر الله

ص: 87

وقل : الحمد لله رب العالمين، فحينئذٍ لا وجه للأمر بقراءة الآيتين هناك، كما لا يخفى .

وإن أغمضنا النظر عن ذلك وقلنا : إن المراد أن آخر آية الكرسي « الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ »، لكن كلما قرأت آية الكرسي في أي موضع كان فقل : « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » وقرأ آيتين بعدها، فحينئذٍ ينتفي الثمرة المترتبة من التحديد المذكور، إذ التحديد بذلك يستدعي الحكم بتأتي الامتثال بالقراءة إليه كلما ورد الأمر بقراءتها، بخلافها على القول بامتدادها إلى « خالدون ».

و معلوم أنه بناءً على المعنى المذكور تنتفي الثمرة المذكورة، كما لا يخفى على ذي فطنة .

وإنما يبقى الأمر في التسمية ؛ وذلك ليس مما يُعتنى به كما لا يخفى، فالتقدير المذكور في كلام السيد المسطور عن طريق السداد مهجورٌ .

ثم لا يخفى أنه كما يكون مقتضى الحديث المذكور امتداد آية الكرسي إلى « خَالِدُونَ »، كذا يكون مقتضاه جزئية : « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » لها .

ولعل هذا هو المأخذ لكلام مولانا التقي المجلسي، قال في شرحه على الفقيه - في مقام البحث في كراهة التكلم في بيت الخلاء واستثناء آية الكرسي - ما هذا لفظه :

در آية الكرسي به نحوی که نازل شده در روایات أهل البيت عليهم السلام بعد از



« الْعَظِيمِ » و « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » هست، و بعد از « لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ » وارد شده است: « وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى » عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ « مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ » إلى آخرها . و این روایت را علی بن ابراهیم، و کلینی، و شیخ طوسی (1)، و سید بن طاوس، و غیر ایشان ذکر کرده اند، و می نامند این را به آیه الکرسی علی التنزیل (2)، انتهى کلامه رفع مقامه .

مخفی نماند آنچه در روضه کافی مذکور است دو حدیث است :

اول به این نحو: علی بن ابراهیم، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن محمد بن سنان، عن أبي جرير القمي - وهو محمد بن عبيد الله، وفي نسخة: عبدالله - عن أبي الحسن عليه السلام: « لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ » وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ « مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ » (3).

حدیث دوم به این نحو: محمد بن خالد، عن حمزة بن عبيد، عن إسماعيل بن عباد، عن أبي عبدالله عليه السلام: « وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ »، و آخرها :

ص: 89

---

1- والصواب كما في المصدر: و شیخ طبرسی .

2- (لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 312 .

3- الکافی، ج 8، ص 389، ح 437.

« وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، و آیتین بعدها (1).

ظاهر این است آنچه را که نسبت به کلینی داده، اشاره به این دو حدیث بوده باشد؛ و لکن آنچه را که نسبت به علی بن ابراهیم داده، به این نحو که: « أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » بعد « العظیم » بوده باشد بلا فاصله، چنین روایتی در تفسیر آن مرحوم به نظر نرسیده است؛ و نحن قد آوردنا کلامه بالتمام، فلاحظه حتّی يتّضح لك الحال .

و أمّا ما عزّاه إلى شيخنا الطبرسي، فالمذكور في مجمع البيان و جوامع الجامع غير مطابق لذلك أيضاً .

نعم، قال في مجمع البيان في تفسير آية الكرسي :

علي بن ابراهیم، عن أبيه، عن الحسين بن خالد، أنه قرأ أبوالحسن الرضا عليه السلام : « أَلَلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ » وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، عالم الغيب والشهادة، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، « مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ » (2).

علاوه بر این در « مجمع البيان » در این مقام مذکور نیست .

ص: 90

---

1- الكافي، ج 8، ص 290، ح 438.

2- مجمع البيان، ج 2، ص 161 .

مجملاً ذکر « الحمد لله رب العالمين » در « مجمع البيان » نیست، نه بعد از « العلي العظيم »، نه بعد از آیتین، شاید حکایت مستند به جای دیگر بوده باشد، والله العالم .

بدان که آنچه را مرحوم مجلسی مذکور - قدس الله تعالى روحه - ذکر فرموده و نسبت داده اند به روایات ائمه عليهم السلام، منافی است با معنی که مرحوم سید مذکور در شرح صحیفه ذکر فرموده، چنانچه وجه آن به اندک تأمل ظاهر می شود .

و منها : ما رواه ثقة الإسلام في باب : « الدعاء في أذبار الصلوات » من كتاب الدعاء من الكافي : عن بكر بن محمد، عمّن رواه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : من قال هذه الكلمات عند كل صلاة مكتوبة حفظ في نفسه و داره و ماله و ولده : أُجِر نفسي و مالي و ولدي و أهلي و داري و كل ما هو منّي بالله الواحد الأحد الصمد الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد، و أُجِر نفسي و مالي و ولدي و أهلي و داري و كل ما هو منّي بربّ الفلق من شرّ ما خلق إلى آخرها، و بربّ الناس إلى آخرها، و بآية الكرسيّ إلى آخرها (1).

وجه الدلالة هو : أنه لو كان آية الكرسيّ عبارةً إلى « العليّ العظيم » كان المناسب الاكتفاء بلفظ آية الكرسيّ ؛ و عدم الاكتفاء بذلك و الإتيان بقوله : « إلى آخرها » للتنبیه على امتدادها زائداً على الآية المذكورة، فيكون ممتدةً إلى « خالِدُونَ »، لانتفاء الواسطة .

ص: 91

ويمكن الاستدلال للقول الثاني - أي : القول بانتهائها إلى « العَلِيُّ العَظِيمُ » - بعدة نصوصٍ أيضاً :

منها : ما رواه الشيخ أبو عليّ، نجل الشيخ الأجلّ شيخنا الطوسي، في أواسط الجزء الثامن عشر من أماليه، عن جماعةٍ عن أبي المفضل قال : حدّثنا عبد الله بن أبي سفيان أبو محمّد القرشي الشعراني، إملاءً من أصل كتابه بالموصل، قال : حدّثنا إبراهيم بن عمرو بن بكر، قال : حدّثنا محمّد بن شعيب بن شابور القرشي، قال : حدّثنا عثمان بن أبي العاتكة الهلالي، عن عليّ بن يزيد، أنّه أخبره أنّ أبا عبد الرحمن القاسم بن عبد الرحمن، عن جدّي أبي أمامة الباهلي، أنّه سمع عليّ بن أبي طالب عليه السلام يقول : ما أرى رجلاً أدرك عقله الإسلام و ولد في الإسلام يبيت ليلة سوادها .

قلت : و ما سوادها يا أبا أمامة ؟ قال : جميعها حتّى يقرأ هذه الآية : « اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ »، فقرأ الآية إلى قوله : « وَلَا يُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ »، ثمّ قال : فلو تعلمون ما هي - أو قال : ما فيها - لما تركتموها على حالٍ،

إن رسول الله صلى الله عليه وآله أخبرني قال : أعطيت آية الكرسي من كنز تحت العرش و لم يؤتها نبي كان قبلي، قال علي عليه السلام : فما بُت ليلة قط حتى سمعتها من رسول الله صلى الله عليه وآله حتى أقرأها .

ثم قال لي : يا أبا أمامة إني أقرأها ثلاث مرّات في ثلاثة أحيين، كل ليلة ؛ فقلت : وكيف تصنع في قرائتك لها يا ابن عمّ محمد ؟ قال : أقرأها قبل الركعتين بعد صلاة العشاء الآخرة، فوالله ما تركتها منذ سمعت هذا الخبر من نبيكم صلى الله عليه وآله حتى أخبرتك به ؛ الحديث (1).

و دلالة على أنّ آية الكرسي « هو العلي العظيم » ممّا لا خفاء فيه .

ومنها : ما رواه ثقة الإسلام في باب : « فضل القرآن » من كتاب فضل القرآن، عن عمرو بن جُمَيْع، رفعه إلى علي بن الحسين عليهما السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من قرأ أربع آيات من أول البقرة و آية الكرسي و آيتين بعدها و ثلاث آيات من آخرها لم ير في نفسه و ماله شيئاً يكرهه، و لا يقربه شيطان، و لا ينسى القرآن (2).

والاستناد إلى الحديث المذكور بانفراده في إثبات المدعى و إن أشبه المصادرة، بناءً على أنّ دلالة على انتهاء آية الكرسي « بالعظيم » إنّما يتم إذا كان

ص: 93

---

1- الأمامي، للشيخ الطوسي، ص 508، ح 1192 / 19 ؛ وعنه في البحار، ج 89، ص 264 ح 7 .

2- الكافي، ج 2، ص 621، ح 5 .

المراد من الآيتين بعدها « لا إكراه في الدين » إلى آخر الآيتين، وهو إنما يتَّجه إذا ثبت أن آية الكرسيّ عبارة عن قول: « اللَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ »، وإلاَّ يمكن أن يكون المراد من الآيتين بعدها هو الإتيان بعد « خالدون »، فالتمسك بالحديث في إثبات ذلك مصادرة.

لكنه بعد ملاحظه الحديث المرويّ في « مجمع البيان » صحيحٌ، لا غبار عليه من هذه الجهة، قال:

وروي عن عبدالله بن مسعود قال: من قرأ عشر آيات من سورة البقرة في كلّ ليلة في بيتٍ، لم يدخل ذلك البيت شيطانٌ حتّى يصبح، أربع آيات من أولها، وآية الكرسيّ وآيتين بعدها، و خواتيمها (1).

وذلك أنّ المراد من الآيتين بعد آية الكرسيّ في هذا الحديث أولهما « لا إكراه في الدين » إلى آخر الآيتين جزماً؛ وإلاَّ لم يكن عدد الآيات عشرًا، بل اثنتي عشرًا، إذ حينئذٍ يكون آية الكرسيّ عبارة عن ثلاث آيات، والمراد بخواتيمها (2) ثلاث آيات في آخر البقرة، كما هو المصرّح به في الحديث الأوّل؛ هف (3).

ومنه يظهر أنّ المراد من الآيتين بعد آية الكرسيّ في الحديث الأوّل أيضًا ذلك،

ص: 94

---

1- مجمع البيان، ج 2، ص 157 .

2- في الأمالي: خواتيمها .

3- (3) هف: هذا خلف، وهو اصطلاح فلسفيّ وكلاميّ .

و منها : ما رواه صاحب كتاب « طبّ الأئمّة » في الثلث الأوّل من الكتاب المسطور، عن محمّد بن كثير الدمشقي، عن الحسن (1) بن عليّ بن يقطين، عن مولانا الرضا - عليه آلاف التحيّة والثناء - أنّه قال :

هذه العوذة حرزٌ و أمانٌ من كلّ مرضٍ (2) و خوفٍ :

« بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله اخسؤا فيها و لا تكلمون، أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً، أو (3) غير تقياً، أخذت بسمع الله وبصره على أسماعكم وأبصاركم وبقوّة الله على قوّتكم، لا سلطان لكم على فلان بن فلانة (4)، و لا - على ذرّيته، و لا - على ماله، و لا على أهل بيته، سترت بينه و بينكم بستر النبوة التي استتروا بها من سطوات الفراعنة، جبرئيل عن أيمانكم و ميكائيل عن أيساركم (5) و محمّد صلى الله عليه وآله و أهل بيته أمامكم، والله تعالى مطّلع (6) عليكم، يمنع الله و ماله و ذرّيته و أهل بيته

ص: 95

1- في المصدر : الحسين .

2- في المصدر : داء .

3- في المصدر : و .

4- ( في المصدر : فلان .

5- ( في المصدر : يساركم .

6- ( في المصدر : مظل .

منكم و من الشياطين، ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، اللهم إنه لا يبلغ جهله (1) اناتك لا يبلغه مجهود نفسه، فعليك توكلت وأنت نعم المولى ونعم النصير، حرسك الله وذريتك يا فلان بما حرس الله به أوليائه، صلى الله على محمد وأهل بيته».

وتكتب آية الكرسي إلى قوله: « وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ »، ثم تكتب: لا- حول ولا- قوة إلا بالله العلي العظيم، لا- ملجأ من الله إلا إليه، و حسبنا الله ونعم الوكيل، دل سام في رأس السهبا (2) ليسها طلسلساها لسلسلا (3).

وقوله عليه السلام: « إلى قوله « وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ » » تحديد لآية الكرسي؛ والمراد: تكتب آية الكرسي وهي إلى قوله: « وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ »، فدلالته على المرام ممّا لا خفاء فيه .

وممّا يؤيد المرام ما رواه في هذا الكتاب بعد الحديث المذكور بقليل، في بيان عوذة المأخوذ والمسحور، فقد روى مؤلف الكتاب المسطور عن أحمد بن بدر، عن إسحاق الصحاف، عن مولانا موسى بن جعفر عليهما السلام أنه قال :

ص: 96

1(-)1( في المصدر : حلمه .

2(-) في المصدر : للسماطلسلسيلايها .

3(-)3( طب الأئمة، ص 40 .



يا صحّاف! قلت: لتيك يابن رسول الله صلى الله عليه وآله؛ قال: إنك مأخوذ عن أهلك؟ قلت: بلى يابن رسول الله منذ ثلاث سنين، قد عالجت بكلّ دواء فوالله ما نفعني. قال: يا صحّاف! أفلا أعلمتك (1)؟! قلت: يابن رسول الله! والله ما خفي عليّ أنّ كلّ شيء عندكم فرجه ولكن أستحييك.

قال: ويحك! وما منعك الحياء في رجل مسحور مأخوذ، أما اتّي أردت أن أفاتحك بذلك، قل: بسم الله الرحمن الرحيم أذراكم أيها السحرة، عن فلان بن فلانة، بالله الذي قال لإبليس: أخرج منها مذءومًا مدحورًا.

- إلى أن قال عليه السلام - : « وما هم بخارجين من النار » (2) بإذن الله الذي « لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الأرض (3) من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم »، إن إلهكم لوحد رب السموات والأرض وما بينهما ورب المشارق، إلى آخر ما فيه (4).

ص: 97

1- في المصدر: أعلمتني .

2- البقرة / 167 .

3- (في المصدر: « وما في الأرض، إلى : وهو العلي العظيم »).

4- (طب الأئمة، ص 45 و 46 .

وجه التأييد هو : أنَّ التوسُّل والاستعاذة في أمثال المقامات إنّما هو بآية الكرسي، فلو كانت باقية بعد « العليُّ العَظِيم » لذكره عليه السلام أيضاً؛ وعدم ذكره والاقتصار بما ذكره يومي إلى الامتداد إلى ما ذكره .

## تنبيه

اعلم : أنَّ الظاهر أنَّ مؤلّف هذا الكتاب - أي : كتاب طبّ الأئمّة عليهم السلام - هو الحسين بن بسطام وأخوه عبدالله بن بسطام .

قال النجاشي :

الحسين بن بسطام، وقال أبو عبدالله بن عيّاش : هو الحسين بن بسطام بن سابور الزيّات . له ولأخيه أبي عتّاب كتابٌ جمعاه في الطبّ، كثير الفوائد والمنافع على طريقة الطبّ في الأُطعمة و منافعها والرّقى والعُودُ، انتهى (1).

و منها : ما رواه شيخنا الصدوق في كتاب « الخصال » في الخصال التي سأل عنها أبوذّر - رحمة الله عليه - قال : دخلت على رسول الله صلى الله عليه وآله وهو جالس في

ص: 98

---

1- رجال النجاشي، ص 39، الرقم 79 .

المسجد وحده، فاغتنمت خلوته - إلى أن قال : - قلت : فأُيُّ آيةٍ أنزلها الله عليك أعظم ؟ قال : آية الكرسي (1).

ورواه صاحب كتاب مكارم الأخلاق في أواخره (2).

وجه الدلالة هو : أن الظاهر من كلام السائل - مع جلالته وكونه من أهل اللسان - : « أي آية أعظم ؟ » ، سؤال عن الآية الواحدة التي هي أعظم من غيرها ؛ وجوابه صلى الله عليه وآله عن هذا السؤال بقوله : « آية الكرسي » يرشد إلى أن آية الكرسي آية واحدة ، فاللزام منه انتهاؤها ب : « العظيم » ، لما عرفت من انتفاء التشكيك في آية الكرسي من حيث البداية ؛ وإثما الكلام في النهاية ، فحيث علم أنها آية واحدة - كما هو الملائم لظاهر اللفظ - علم انتهاؤها ب « العظيم » .

وأما القول بأن من لفظ الجلالة إلى « القيوم » آية واحدة ، ومن « لا تأخذه سنة » إلى « العظيم » آية أخرى - كما حكاه شيخنا الطبرسي في مجمع البيان (3) - فلا شبهة في ضعفه وشدوده .

ومنها : ما روي في جملة من الكتب المعتبرة من العامة ، ففي كتاب تيسير الوصول إلى جامع الأصول وغيره ، عن أبي هريرة ، عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال :

ص: 99

1- الخصال، ص 523، الرقم 23 .

2- مكارم الأخلاق، ص 472 .

3- حكاه عن البصري في مجمع البيان، ج 2، ص 156 .

لكلّ شيءٍ سنّامٌ (1) وإنّ سنّام القرآن سورة البقرة، وفيها آيةٌ هي سيّدة آي القرآن، وهي آية الكرسيّ (2).

وجه الدلالة ظاهر .

ومنها : ما روي أيضاً في الكتاب المسطور وغيره، عن أبيّ بن كعب، عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنّه قال : يا أبا المنذر أتدري أيّ آيةٍ من كتاب الله معك أعظم ؟ قلت: « الله لا إله إلا هو الْحَيُّ الْقَيُّومُ »، فضرب في صدري فقال : ليهنك العلم يا أبا المنذر (3).

وفيه شيءٌ لا يخفى على المتأمل فيما ذكر آنفاً .

ومنها : ما روي في جملةٍ من كتبهم أيضاً - كالمصابيح و تيسير الوصول وغيرهما - عن أبي هريرة أنّه قال :

وكّلني رسول الله صلى الله عليه وآله بحفظ زكاة رمضان، فأتاني آتٍ، فجعل يحثو من

ص: 100

1- في بعض المصادر : إنّ لكلّ شيءٍ سنّامًا .

2- (سنن الترمذي، ج 4، ص 232 ح 3038 ؛ المستدرک، للحاكم، ج 2، ص 259 ؛ جامع الأصول، ج 9، ص 359 ؛ الجامع الصغير، ج 2، ص 414 ح 7316 ؛ كنز العمال، ج 1، ص 561، ح 2527 .

3- مسند أحمد، ج 5، ص 142 ؛ صحيح مسلم، ج 2، ص 199 ؛ المستدرک، للحاكم، ج 3، ص 304 ؛ رياض الصالحين، للنووي، ص 452 ح 1019 ؛ جامع الأصول، ج 9، ص 359 .

الطعام، فأخذته وقلت : لأرفعنك إلى رسول الله صلى الله عليه وآله قال : إنني (1) محتاجٌ وعليّ عيالٌ و لي حاجةٌ شديدةٌ .

قال : فخلّيت عنه فأصبحت، فقال النبي صلى الله عليه وآله : يا أبا هريرة ما فعل أسيرك البارحة ؟ قلت : يا رسول الله شكى حاجةً شديدةً و عيالاً فرحمته، فخلّيت عنه سبيله، فقال : أمّا إنّه سيعود فرصدته، فجاء يحثو من الطعام، فأخذته فقلت : لأرفعنك إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ؛ قال : دعني، فإنني محتاجٌ وعليّ عيالٌ لا أعود، فرحمته و خلّيت عنه سبيله، فأصبحت، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : يا أبا هريرة ما فعل أسيرك البارحة ؟ قلت : يا رسول الله شكى حاجةً شديدةً و عيالاً فرحمته، فخلّيت سبيله .

فقال : أمّا إنّه قد كذبتك و سيعود (2)، فرصدته فجاء يحثو من الطعام، فأخذته فقلت : لأرفعنك إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، و هذا آخر ثلاث مرّات تزعم إنك تقول : لا تعود، ثمّ تعود .

فقال : دعني أعلمك كلمات ينفعك الله بها، قلت : و ما هنّ ؟ قال : إذا آويت إلى فراشك فاقرأ آية الكرسيّ : « الله لا إله إلا هو الحيّ القيوم حتى تختم الآية، فإنك لن يزال عليك من الله حافظٌ، و لا يقربك شيطان

ص: 101

1- في المصدر : دعني فإني .

2- في المصدر : فعرفت أنه سيعود .

حتى تصبح، فخلّيت سبيله .

فلما أصبحت، فقال لي رسول الله صلى الله عليه وآله : ما فعل أسيرك البارحة ؟ فقلت : زعم أنه يعلمني كلمات ينفعني الله بها، فقال : أمّا إنّه صدّقك و هو كذوب ؛ انتهى (1).

يعني : صدّقك في آية الكرسيّ و ذكر خواصّه، و لكنّه كذّبك في عدم العود .

وجه الدلالة على المدّعى هو : أنّ المراد من ختم الآية تلاوتها إلى : « العليّ العظيم »، فيكون آخر آية الكرسيّ ذلك ؛ و هو المطلوب .

ص : 102

---

1- صحيح البخاري، ج 3، ص 63 ؛ السنن الكبرى، ج 6، ص 238 ح 10795 ؛ جامع الأصول، ج 9، ص 360 ؛ الدرّ المنثور، ج 1، ص 326 .

اشاره

1 - القرآن الكريم

« أ »

2 - إقبال الأعمال، لرضي الدين أبي القاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسيني الحسيني (المتوفى 664 هـ)، تحقيق جواد القيومي الاصفهاني، مكتب الإعلام الإسلامي، قم، 1414 هـ .

3 - الأمالي، لأبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي (م 460 هـ)، تحقيق قسم الدراسات الإسلامية، دار الثقافة، قم، 1414 هـ .

« ب »

4 - بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام : للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (1037 - 1110)، مؤسسة الوفاء، بيروت، 1403 هـ .

ص: 103

5 - البلد الأمين والدرع الحصين، للشيخ تقي الدين ابراهيم بن علي العاملي الكفعمي (ت 900)، تحقيق علاء الدين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي، بيروت، 1425 هـ .

6 - البهجة المرضية في شرح الألفية، لجلال الدين أبي بكر السيوطي (ت 910)، تحقيق ونشر مؤسسة دار الهجرة، قم، 1419 هـ .

7 - البيان : للشهيد الأول شمس الدين محمد بن مكّي العاملي (م 786)، الطبعة الحجرية، مجمع الذخائر الإسلامية، قم، 1322 .

« ت »

8 - تحفة الأبرار، للحاج السيّد محمد باقر حجّة الإسلام الشفطي (1180 - 1260)، تحقيق السيّد مهدي الرجائي، نشر مكتبة مسجد السيّد باصفهان، مطبعة سيّد الشهداء، قم، 1409 هـ .

9 - تذكرة الفقهاء : للعلامة الحلّي جمال الدين حسن بن يوسف بن المطهر (648 - 726)، تحقيق ونشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، 1414 .

10 - تفسير عليّ بن إبراهيم (تفسير القمي)، لأبي الحسن عليّ بن إبراهيم القمي (م 217 هـ)، تحقيق السيّد طيّب الموسويّ الجزائري، مؤسسة دار الكتاب، قم، 1404 هـ .

11 - تهذيب الأحكام : لأبي جعفر شيخ الطائفة محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (385 - 460)، تحقيق السيّد حسن الموسوي الخراسان، دار الكتب الإسلامية، تهران، 1365 ق .



« ح »

12 - حياة المحقق الكركي وآثاره : تأليف الشيخ محمد الحسون، منشورات الاحتجاج، تهران، 1423 هـ .

« خ »

13 - الخصال ، للشيخ الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (م 381 هـ)، تحقيق علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، 1403 هـ .

« د »

14 - الدرّ المنثور في التفسير بالمأثور، لجلال الدين عبدالرحمن ابن أبي بكر السيوطي ( 911 هـ)، دار المعرفة، بيروت .

« ذ »

15 - ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة : للشهيد الأول شمس الدين محمد بن مكّي العاملي (م 786)، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، 1419 .

« ر »

16 - رجال النجاشي ( فهرس أسماء مصنّفي الشيعة ) : لأبي العباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس النجاشي الكوفي ( 372 - 450 )، تحقيق السيّد موسى الشبيري الزنجاني، نشر مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة، 1416 .

ص: 105

17 - الرسائل الرجالية : للسيد محمد باقر بن محمد نقي الشفتي المشهور بحجة الإسلام ( 1180 - 1260 )، تحقيق السيد مهدي الرجائي، نشر مكتبة مسجد السيد باصفهان، 1417 هـ .

18 - روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان : للشهيد الثاني زين الدين بن علي بن أحمد العاملي ( 911 - 965 )، الطبعة الحجرية، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، 1404 هـ .

19 - رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين عليه السلام، للسيد عليخان الشيرازي المدني (ت 1120) تحقيق السيد محسن الأميني، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، 1415 هـ .

« ز »

20 - زاد المعاد، للعلامة الشيخ محمد باقر المجلسي (1110 هـ)، انتشارات اسلاميه، تهران، 1379 ش .

« س »

21 - سنن الترمذي، لأبي عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي ( 209 - 279 هـ )، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، دار الفكر، بيروت، 1403 هـ .

22 - السنن الكبرى ( سنن البيهقي )، لأبي بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي ( 384 - 458 هـ )، نشر دار الفكر، بيروت .

ص: 106

« ش »

23 - شرح أصول الكافي، للمولى محمد صالح المازندراني ( 1081 هـ )، تحقيق الميرزا أبوالحسن الشعراني، ضبط وتصحيح السيد علي عاشور، دار احياء التراث العربي، بيروت، 1421 هـ .

« ص »

24 - صحيح البخاري، لأبي عبدالله بن إسماعيل البخاري ( 194 - 256 هـ )، دار الفكر، بيروت، 1401 هـ .

25 - صحيح مسلم، لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري ( 206 - 261 هـ ) تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت، 1398 .

« ط »

26 - طبّ الأئمّة، لعبد الله بن سabor الزيات و الحسين ابني بسطام النيسابورين ( م 401 هـ )، منشورات الشريف الرضي، قم، 1411 هـ .

« ف »

27 - الفوائد العليّة في شرح الجعفرية، للفاضل الجواد الشيخ جواد بن سعد بن جواد الكاظمي البغدادي، من مخطوطات مكتبة مجلس الشورى، تحت الرقم 7134 .

ص: 107

« ق »

28 - قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام : للعلامة الحلي الحسن بن يوسف بن المطهر ( 648 - 726 )، تحقيق ونشر مؤسسة النشر الإسلامي، قم، 1413 هـ .

« ك »

29 - الكافي : لأبي جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني ( م 329 )، تحقيق علي أكبر الغفاري، دار الكتب الإسلامية، طهران، 1388 .

30 - كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، لعلاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي ( ت 975 هـ )، تحقيق الشيخ بكري حياني، مؤسسة الرسالة، بيروت، 1409 هـ .

« ل »

31 - لوامع صاحبقراني ( المشتهر بشرح الفقيه )، للعلامة محمد تقي المجلسي الإصفهاني ( ت 1070 هـ )، مكتبة اسماعيليان، قم، 1414 هـ .

« م »

32 - المبسوط : لشيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي ( 385 - 460 )، تحقيق محمد تقي الكشفي، نشر المكتبة المرتضوية، طهران، 1387 .

33 - مجمع البحرين و مطلع النيرين : للشيخ فخر الدين محمد الطريحي ( م 1085 ق )، تحقيق السيد أحمد الحسيني، مكتبة نشر الثقافة الإسلامية، 1408 هـ .

- 34 - مجمع البيان في تفسير القرآن، لأبي علي أمين الإسلام الفضل بن الحسن الطبرسي ( حوالي 470 - 548 هـ )، تحقيق لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، نشر مؤسسة الأعلمي، بيروت، 1415 هـ .
- 35 - مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان ، للمحقق الأردبيلي أحمد بن محمد بن محمد ( م 993 هـ )، تحقيق إشتهاردي وعراقي ويزدي، نشر جامعة المدرسين، 1403 هـ .
- 36 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي ( 1037 - 1110 هـ )، تحقيق السيد هاشم الرسولي، دار الكتب الإسلامية، تهران، 1404 ق - 1363 ش .
- 37 - مستدرک الصحيحين، للحاكم أبي عبدالله النيسابوري ( 405 هـ )، تحقيق يوسف عبدالرحمن المرعشلي، دار المعرفة، بيروت .
- 38 - مسند أحمد ، لأحمد بن محمد بن حنبل أبي عبدالله الشيباني ( 164 - 241 هـ )، دار صادر، بيروت، وبهامشه منتخب كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال .
- 39 - المصباح (جدة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية)، للشيخ تقي الدين ابراهيم بن علي العاملي الكفعمي (ت 900)، تحقيق علاء الدين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي، بيروت، 1424 هـ .
- 40 - مصباح المتهجد وسلاح المتعبد، لشيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي (460 هـ)، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، 1411 هـ .

41 - مطالع الأنوار، للحاج السيّد محمّد باقر الشفتي، المعروف بحجّة الإسلام على الإطلاق (1180 - 1260 هـ)، طبع الأُفست، مكتبة مسجد السيّد، نشاط، اصفهان 1366 ق، و 1409 هـ .

42 - مفتاح الفلاح، للشيخ محمّد بن حسين البهائي العامليّ (م 1031 هـ)، منشورات مؤسّسة الأعلمي، بيروت .

43 - مكارم الأخلاق، للشيخ رضي الدين الحسن بن الفضل الطبرسي (548 هـ)، منشورات الشريف الرضيّ، قم، 1392 ق - 1972 م .

« ن »

44 - نهاية الأحكام في معرفة الأحكام : للعلامة الحلّي الحسن بن يوسف بن المطهر (648 - 726)، تحقيق السيّد مهدي الرجائي، مؤسّسة إسماعيليان، قم، 1410 هـ .

45 - النهاية في مجرّد الفقه والفتاوي : لأبي جعفر شيخ الطائفة محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (385 - 460)، طبعة دار الأندلس، بيروت .

ص: 110

## فهرست مطالب

مقدمه 239

توضیحی پیرامون رساله حاضر 7

زندگی نامه مؤلف 9

نام 9

شهرت 9

از نگاه دیگران 10

نسب 13

نیاکان 14

ص: 111

تولّد 15

زادگاه 16

دوران تحصیل 17

استادان 19

مشایخ اجازه 24

ویژگی های اخلاقی 28

سخاوت 29

عبادت 30

شاگردان 31

داوری 31

اجرای حدود الهی 33

سفر به مکه 34

آثار علمی 35

ساخت مسجدی بزرگ 40

فرزندان 41

ص: 112



درگذشت 49

سؤال 53

جواب 53

قائلين به امتداد آية الكرسي تا : « هم فيها خالدون » 54

قائلين به امتداد آية الكرسي تا : « العليّ العظيم » 73

المستند للقول الأول 83

المستند للقول الثاني 92

فهرس مصادر التحقيق 103

فهرست مطالب 111

ص: 113

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

